

افشای اسناد مربوط به نوطنه سرکوب سازمانها و گروههای سیاسی

صفحه ۷

مردم ایران لایحه قصاص را که تبلور دوران پرپریت و توحش است به زباله دان تاریخ خواهند افکند

صفحه ۱۰

معامله ایدئولوژیک رویزیونیستها و الهیون پیرو خط امام

روزهای ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ماه
سرمای بانام "بحث آزاد" از تلویزیون
بخش شده در آن از یکسوا حسن طبری از
حزب توده، رفیق نگهدار از اکثریت و در
سوی دیگر کترسروش و مصباح شرکت
داشتند. ما چنان که در شما ره پیش تصریح
کردیم با این گونه بحثها در این شرایط
بحرانی موافقتی نداریم. لیکن از آنجا
که بیم می رود ارتداد خوش پوش و
بقیه در صفحه ۲۱

در سالگرد تعطیل دانشگاهها مبارزه برای بازگشایی دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی را گسترش دهیم

با گذشت یک سال از تعطیل دانشگاهها،
ویلا تکلیفی ۲۰۰ هزار دانشجو و ۷۰۰ هزار
بش کنگوری و در شرایطی که نشانه های باز-
گشایی دانشگاهها در دست نیست، مسئله
دانشگاهها به مثابه یکی از معضلات عمده -
اجتماعی و سندروانی حاکمیت، خود نمائی
میکند.
با آغاز سال جدید، حاکمیت، درمانده
از پاسخگویی به ابتدائیترین نیازهای
توده ها و مواجبه با اعتراضات روبه گسترش،
بقیه در صفحه ۵

۹ خرداد ۵۸ چهارشنبه سیاه: روزی خونین در تاریخ خلق عرب خوزستان

در خوزستان و شرکت مستقیم سیاه
پاسداران، تکاوران، کمیته خرمشهر و
سازمان امل سرهم بندی شده بود. این
توطئه خونین که از ساعت ۴ با مداد شروع
بقیه در صفحه ۲۳

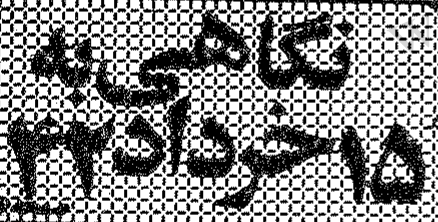
در نهم خرداد ۱۳۵۸ توطئه رژیم
جمهوری اسلامی برای سرکوبی خلق
عرب خوزستان بمرحله اجرا درآمد. این
توطئه به سرمداری تیمسار مدنی مزدور
سیا و استنادار برگزیده جمهوری اسلامی

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا مبارکگاه داخلش

مقاله

پیش از طوفان

دورانهای انقلابی در تاریخ هر کشور دارای
اهمیتی بسیار ویژه اند. در یک دوران -
انقلابی که جامعه دستخوش تحولات
و تغییرات عظیم است، حوادث با سرعتی
سرگشته و رخ میدهند و تاریخها گامهای
غول آسا به پیش می تازد. در یک چنین
دورانها همه سرشار از رویدادها و حوادثی
است که وقوع هر یک از آنها در دوران سکون
و آرامش، نیاز به گذشت چندین سال دارد.
در این دوران تحول انقلابی با گذشت
هر روز، رویدادهای تازه به وقوع می پیوندد و
سرعت رویدادها چنانست که رویداد -
روز گذشته ای را بگونه ای که گوئی مربوط
به یکسال پیش بوده اند، کهنه می کنند و از
دستور خارج می سازد. بقیه در صفحه ۲



در این شماره

• جنبش جهانی

• پاسخ به سئوالات

• دعوی اصلی بوسر چیست؟

• از اعلامیه ها و... کارگران پیشرو

• گزارشهای روسستانی



اعلامه‌های دسل در حدود هفتاد و دو
دوم اردیبهست منتشر شده اند.

اراک

کارگران هواداران زمان در اراک در
راست با اتحاد شورای اوامیر ماس -
ساری اعلامه‌های منتشر شده اند. در این
اعلامه‌ها ساری اراک فعالیت‌های صدارت
مدیرکل اتحاد شورای کارگران یک نمونه
ارایه‌هاست می‌نویسد: "ما ساری شکل مجمع
عمومی در حضور تمام کارگران و در یک
محلی عالم سما صدگان واقعی خود را انتخاب
کنیم. این شورای منتخب، زمینه لازم را
برای انتخابات شوراهای قسمتی را آماده
خواهد کرد. بکار دیگر برای این نگه‌ما کند
می‌کسیم که: فوراً فقط در شرایطی می‌تواند
اعمال قدرت کرده خواستهای سرخس
کارگران را با مسئولیت‌ها که از جانب
قدرت‌مده کارگران سرخورد را باند، در
در عسارت صورت به حتمی تبدیل می‌کند که
حیاتی سریع در مقابل وطنه‌های رنگارنگ
حاکمیت و عواملش ارباب خواهد رفت.
ما اتحاد و ایمن به قدرت اتحادمان -
شورای منتخب خود را تشکیل دهیم."

اصفهان

کارگران پیشرو دوباره در اراک
با عنوان "شیخون با ساری" سرمایه
به محل شورای کارکنان جنگ زده شرکت
نفت مسفر در شاهکاه شرکت نفت اصفهان
می‌نویسد: "ما اکنون بیش از هفت ماه
از جنگ با عا دلانه و خائنما سوز زخمی‌های
ارتجاعی ایران و عراق می‌گذرد. پیش
از ۲ میلیون آواره جنگی در دسترس
شرایط از لحاظ تغذیه و بهداشت و مسکن
بسیر می‌برند.

آوارگان جنگ که از دولت جمهوری
اسلامی خبری نمی‌بینند برای نجات خود از مرگ
مجبور به مهاجرت به اصفهان و حتماً نه‌های
مسکونی خالی می‌یابند. ولی با ساری سرمایه
با شیخون خود و نفرات نما بینندگان آنها
را پنج شصت (سوم اردیبهست) دستگیر
و چون با مقاومت ساری کارگران آواره
در حمایت از نما بینگان نشان رو برو
شدند ۳ نفر از آوارگان حمایت کنند. راه
نیز با زداشت نمودن و شانه مغول واره
محل سکونت آنها حمله و رشدهند. ما
کارگران پیشرو، حمایت خود را از خواسته
های بحق آوارگان جنگ اعلام داشتیم.
همه‌ها یرزیم جمهوری اسلامی محکوم
نموده و فریاد می‌زنیم: دو میلیون آواره
نان مسکن ندارند. بهداشت، مسکن و نان
برای آوارگان تامین باید کرد."

هواداران سازمان در اصفهان
تراکتی در رابطه با مبارزات و دستگیری
کارآموزان منتشر نموده اند. در حال حاضر
دستگیرندگان آزاد شده اند اما از آنجا
که در این تراکت خواستهای کارآموزان
را فید نموده اند درج آن اقدام می‌کنیم.
در ضمن شایسته تراکت چنین آمده
است: "رژیم جمهوری اسلامی... بدنیال
سیاستهای سزاکوب و اختناق این سزار
نیز در مقابل خواست عادلانه کارآموزان
(۱) پرداخت حقوق عقب افتاده درصدمی
آزاد ارات ۲ - پرداخت حقوق درایم سکاری
۳ - بازگشت به کار و استخدام رسمی
که برای تحقق آن در استناد ری مدت ۲۵
روز متخص شده بودند، تعداد زیادی را
دستگیر و زندانی نموده است.
... با بهره‌رود ترس به خواستهای بی‌رحم
کارآموزان گردن نهید و بدون قید و شرط
کارآموزان زندانی را آزاد کنید."

تهران

"دزدی خجالت برای کمک به تنبلمان -
قم" عنوان تراکتی است که کارگران پیشرو
فیلولور در آن نوشته اند: "اخیراً مدتها
بغضال و ماشین لبا شوشی توسط اوپسی
(مدیر دفتر مرکزی فیلولور) به بهانه کمک
به "تنبلمان قم" از کارخانه به سرقت
رفته است. مدیران به دزدیهای فاقا نویسی
و با حمایت دولت اکتفا نکرده، بلکه سعی
دا رنده بهانه‌ها می‌گویند که این دزدیها را
با قسمتی لاتر در با زار آزاد آت کنند.
این دزدیها با تاخیر نما بینگان سازش
کارشورا صورت می‌گیرد. نما بینگان سازش
کاریکه جز تاخیر دزدی و غارت مدیران و
سرکوب خواسته‌های بی‌رحم ما کارگران
ندارد... ما بارها و بارها اعلام
کرده ایم که تنها راه مقابله با دزدیهای
بی‌حساب سرمایه داران و عناصر زنگار
و صدکار گرو شور تشکیل هیئت تحقیق است.
است. هیئت تحقیقی که کلیه مخارج و در
آمدها و سود حاصل از دسترنج ما را محاسبه

تبریز

کارگران پیشرو تبریز اعلامیه ای تحت
عنوان "وطنه‌های جدید حاکمیت برای سر-
کوب کارگران رانقش برآب کنیم" -
منتشر نموده اند. در قسمتی از این
اعلامه چنین آمده است: "بهر روزها
از طرف مدیرعامل ها و... اعلامیه‌ها و
بنا به های تند و تری را بلوهای اعلامیه
نصب و با از بلندگوی های سیم‌کشی
از کارخانجات سرعایه کارگران بگوش
می‌رسد که اغلب در آن اعلامیه‌ها، کارگران
را تهدید به اخراج و توبیخ می‌نمایند. برای

تروین

"شوراهای واقعی کارگران، چه وظایفی بعهده
دارند" عنوان تراکتی است که کارگران -
پیشرو کارخانه آذربایجان منتشر نموده
اند. در این تراکت ضمن توضیح پرورسه
تشکیل شوراها و مقابله دولت سرمایه -
داران با آنها می‌نویسد: "ما هدودیم
که در همان زمان افرادی نظیر بنی‌صدر
شمار شورایی شورا سردانند و افرادی نظیر
بیشتری و فرستجانی زشورا وسیله ای باشند
تا راحت تر از ما کارگران کار بکنند."

سرمیندر

هواداران سازمان در این شهر در
قسمتی از اعلامیه ای با عنوان "از خواست
های بی‌رحم کارکنان جزء کارخانجات
کنیم" نوشته اند: "مگر کارکنان جزء کارخانجات
ها چه می‌گویند؟ آنها می‌گویند: ما در رژیم
گذشته به علت خفقان و جوبلیسی حاکم
نموانستیم تشکلی خود را ایجاد کنیم.
در این رژیم نیز عده ای خود را قیم -
کرده و به اصطلاح "گانه‌داغتر از آتش شده اند.
در ادا ما اعلامیه می‌خوانیم که: زمستان
و تابستان روی اسکله‌ها دوندگی کرده اسم

چهارمحال بختیاری

کارگران پیشرو و هواداران سازمان
در شهرهای چهارمحال بختیاری، کاشان،
اصفهان، مشهد و آمل... اعلامیه‌هایی در
رابطه با اول ماه مه منتشر نموده اند. در
این اعلامیه‌ها ساری از شرح مختصری از تاریخچه
اول ماه مه به مبارزات کارگران ایران
در رژیم قبلی و سپس از قیام و چگونگی برگزاری
این روز در شرایط مختلف پرداخته اند.
از آنجا که مسائل مطرح شده، مثلاً به بیانیه
و مقالات کار در مورد اول ماه مه می‌باشد
نقل یک تراکت اکتفا می‌کنیم. هواداران

نموده و ما نیز از غارت دسترنج ما توسط
سرمایه داران و اربابانها می‌گردید."

کارگران پیشرو کارخانه مکا نیک در
تراکتی با نام "فقط کارگران حق تعیین
صلاحیت نما بینگان خود را دارند" می‌نویسد
گویند: "پس از مبارزه بیکر ما برای
تشکیل شورای انقلابی اکنون با آغاز
انتخابات نورا، انجمن اسلامی و اداره
سیاسی - ایدئولوژیک این عوام مسل
وزانده‌های حزب جمهوری اسلامی و نوکران
سرمایه داری می‌کوشند تا بهانه تعیین
صلاحیت کارکنانها کارگران آگاه و مبارز
را کنار گذاشته و افراد سازشکار و ضد
کارگرواسته به خود را بعنوان نماینده
کارگران به شورا بفرستند." و سپس
به افشای اعمال سرکوبگران و همچنین
ویخش سیاسی - ایدئولوژیک پرداخته
و در خاتمه می‌نویسد: "آنها حق تعیین
صلاحیت نما بینگان را نداشته و فقط
فقط ما کارگران حق تعیین صلاحیت
نما بینگان خود را داریم."

اجرای این سیاستهای ضدکارگری مدیران -
تصمیم گرفته اند به مسئولین کارخانه که
همانرا عوام ملومیره‌های خودشان می‌باشند،
اختیارات تام داده و دست آنان را در سر-
کوب و شدت بخشیدن به استعمار کارگران
باز نگذاشته. "و پس از سرخورد اتحاد
کارگران برای پیشبرد مبارزات و مقابله
با این اعمال ضدکارگری می‌نویسد:
"اکنون زمان آن رسیده است که شورای
رسیدن به خواسته‌های بی‌رحم رفا می (افشای)
وسایع خود بطور بی‌مانا و خستگی‌نا پذیر
برای تشکیل شوراها و انقلابی خودمبارزه
کنیم."

برای همه ما همچون روز روشن است که
شورای قبلی کارخانه ما که نما بینگان آن
همگی از عوام ملومیره‌ها و مدیران و سرمایه
داران بودند از همین شورا نبودند. نما بینگان
گان ترس و خویشا نکی آن همیشه مانع ما
را به منافع کارگران و فرمایان فروختند و نه
تنها در مقابل ستمهای آنها در مقابلشان
نا ایستادند بلکه همه جا دست در دست آنها
ورود روی ما قرار گرفتند. "در ادا ما می
گویند: "دیگر زمان آن رسیده است که
همگی دست بدست هم دهیم و شورای واقعی
خود را ایجاد کنیم."

و توسط همین تجار و سرمایه داران و
ما حیان کارخانجات به تشکلی گوناگون -
استنما رنده ایم. "و سپس خواسته‌های
مطرح شده از جانب کارکنان جزء کارخانجات
را بر شمرده که تعداد آنها را آنها عبارتند از:
"۱. ایجاد شورای واقعی کارکنان جزء کارخانجات
ها جهت دفاع از منافع صنفی - سیاسی
آنها رسمی‌دان کارکنان... لغو تفکیک
عقاید تحت عنوان مکتبی بودن و در خاتمه
می‌فرزاید: "با حمایت فعال خود را خواسته
های حق طلبانه و فوق متوسطی‌های ضدکارگری
سرمایه داران و اربابانها را در هر
پوششی افشاء کنیم."

سازمان در چهارمحال بختیاری طی تراکتی
با تیتر "شعله‌های سرخ آتش در کوچه‌های چهار
محال نشان از روزمخوشین کارگران دارند"
می‌نویسد: "بمناسبت اول ماه مه (۱۱
اردیبهست) روز جهانی کارگر، هواداران
سازمان جریکهای فدائی خلق ایران،
غروب پیشکینه، در استان چهارمحال در
بیش از پنجاه درگاهها نهایی محل، به پیاد
نبرد خوشین و دلگرا نه کارگران در اول
ماه مه ۱۳۶۰ و بیضانه همبستگی با مبارزات
کارگران سراسر جهان آتش افروختند" و سپس از
مردم عمو کرده اند که از نما بینگان عکس می‌گیرند
مناسبت این روز و شهرکود ترسید انشده در این



پاسخ به سئوالات



پس از انتشار سرمقاله کار شماره ۹۹ سئوالات بسیاری از رفقای هوادار دریافت کرده ایم. رفقا در نامه های خویش خواستار توضیحات بیشتر حول مواضع سرمقاله و ارائه تحلیل های تئوریک در این زمینه شده اند و برخی رفقا سئوال کرده اند آیا موضعگیری ما زمان در سرمقاله کار ۹۹ با این مسئله که ما زمان در مسئله انترنایونالیسم پرولتری را در دستورمبارزه ایدئولوژیک خود قرار داده ایم بیست ندارد؟



با توضیح دهیم که پاسخ تئوریک و همه جانبه به سئوالات رفقا پیش از آنکه مبارزه و بحث ایدئولوژیک به نتیجه قطعی برسد و بدون گردد ممکن نیست چرا که اگر بخواهیم به این سئوالات پاسخ همه جانبه ای بدهیم لازم است که قبلاً "تحلیل های تئوریک حول مسائل فوق به تصویب ما زمان برسد."

اما همین جا باید تذکر کنیم که هر چند ارائه تحلیل های کامل در این مورد را به پیشرفت مبارزه ایدئولوژیک درونی موکول کرده ایم، این بمعنی نفی مرزبندی های موجود در این مقاله نیست. نمی باشد و مرزبندی های این مقاله به مورد تا شید ما زمان نبوده و موضع ما زمان بی تعلقی میشود. و این مرزبندی ها مبنی بر تحلیل ها و مواضعی است که ما زمان در طول پیش از ده سال سابقه فعالیت خود بر اساس آن حرکت کرده است و اکنون در جهت توفیق و ارائه تحلیل همه جانبه تر در این زمینه ها بحث های تئوریک را پیش می برد.

همچنین است تحلیل کامل شمار امرگ برامیریا لیسیم جهانی بسرکردگی امیریا لیسیم آمریکا و پیا پیا که داخلیش که ما زمان ضمن تاکید بر صحت کامل شمار بحث حول تنبیهن های مختلف حول این شمار را در دستورمبارزه ایدئولوژیک (در حقیقت جزئی از بحث حول انترنایونالیسم پرولتری است) قرار داده است.

نامه های زیادی از رفقای هوادار بدستمان رسیده که درباره ما هیت طبقاتی حزب جمهوری اسلامی سئوال کرده اند و انتقاد کرده اند که چرا ما زمان درباره ما هیت طبقاتی این حزب بطور صریح موضعگیری نمی کند بلکه تنها آنرا نشان میدهد بورژوازی متوسط می دانند و این مسئله را که ما زمان به کدام بخش از بورژوازی متوسط است، مشخص نمی کند.

در پاسخ به رفقا باید بگوئیم همانطور که در کار شماره ۸۷ نیز اعلام نمودیم - تحلیل دقیق ما هیت احزاب مختلف در دستورمبارزه ایدئولوژیک قرار دارد و بحث حول دقیق تر کردن ما هیت حزب و تحلیل همه جانبه درسیاستها و ایدئولوژی و پیرویه تشکیل آن به اتمام رسیده است و تحلیل ما زمان در این مورد در نبرد خلق منتشر خواهد شد. این تحلیل با بررسی پیرویه تشکیل حزب، سیاستها و ... نشان میدهد که حزب جمهوری اسلامی ما بنده بورژوازی متوسط تجاری می باشد در این تحلیل جناح بندیهای درونی حزب نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

رفقای هوادار از آذربایجان، خوزستان، شمال و مشهد، ما من نوشته اند و سئوال کرده اند که چرا ما زمان نسبت به حزب دمکرات کردستان موضعگیری نمی کند و ما هیت حزب و چگونگی برخورد کمونیستها با آن را سئوال کرده اند.

در پاسخ به رفقا باید توضیح دهیم که موضعگیری نسبت به حزب بدون تحلیل کامل ما هیت طبقاتی و سیاستهای آن نمی توانست بطور کامل صورت گیرد و به همین دلیل ما زمان تحلیل دقیق ما هیت حزب و چگونگی برخورد کمونیستها با آن را در دستورمبارزه ایدئولوژیک خود قرار داده ایم. اکنون تحلیل جامع در این مورد تهیه شده است که در آینده در نبرد خلق منتشر خواهد شد.

رفقای پیرویه اند که آیا انقلاب در ایران شکست خورده است؟ آیا نه؟ و نظراً ما زمان را در این مورد سئوال کرده اند.

ارزیابی ما زمان از وضعیت مشخص خود و ویژگی اوضاع کنونی، نشان میدهد که علیرغم اینکه پس از سرنگونی رژیم سلطنتی، قدرت دولتی در دست ضدانقلاب قرار گرفت و انقلاب به پیروزی نرسید، اما انقلاب هنوز شکست نخورده است و کشاکش پس انقلاب و ضدانقلاب همچنان ادامه دارد و بسیاری دیگر انقلاب در نیمه راه متوقف مانده است. تحلیل کامل در این مورد یعنی ارزیابی انقلاب و خود و ویژگی اوضاع کنونی، در نبرد خلق شماره ۳ چاپ خواهد شد.

رفقا در مورد تعریف جنبش کارگری و کمونیستی، مفهوم ما نترالیسم، نیروهای محرکه انقلاب تفاوت بر نامه جدا کتر، حداقل و پلانترم، مبارزه، دیکتاتور توری دموکراتیک خلق، تفاوت شورای ما بیندگان و کارگران، شورای کارخانه سئوال کرده اند که در شماره های آینده به آنها پاسخ خواهیم داد.

اجتماع کارگران نیروگاه برق رامین اهواز در مقابل نخست وزیری



یکی از کارگران: ما کارگران بودیم که با امیریا لیسیم و شاه مبارزه کردیم. حالا اینها (حاکمیت) اینطور ما را سرکوب می کنند.

صبح روز سه شنبه، پنجم خرداد ماه، بیش از ۳۰۰ تن از کارگران شرکت ملی مخابرات اهواز در مقابل نخست وزیری متحصن شدند. به دنبال جنگ نا عا دلانه و خائنانه سوز آخیر، کارهای فنی و ساختمانی نیروگاه کلا خواستند. در اوایل دولت ۵۰٪ از حقوق کارگران را پرداخت کرد، اما بعد از آن، نه تنها هیچگونه حقوقی به کارگران پرداخت نشد، بلکه دولت تصمیم گرفت آنها را از خارج هم بکند.

یکی از ما بیندگان کارگران پیرامون اوضاع کارگران می گفت: "با شروع جنگ کارخوا بیدو ما هم بیچاره شدیم، حدود سه ماهی، ۵۰٪ حقوق به ما دادند، اما بعد از آن همین مقدار را هم قطع کردند. ما اقدامات زیادی انجام دادیم، اما هیچ نتیجه ای نداد، تازه بعد از این همه دستگیری و بی پولی کشیدن، تصمیم گرفته اند که آخر اجمان هم بکنند. به هر حال بعد از تلاشهای زیاد، به اینجا رسیدیم که خود کارگران به تهران می آیند. البته همه نمی توانستند، فقط ۳۰۰ نفر با قرض و قرضه کردن از کارگران دیگر و ... شما بیدگی آنها به تهران آمدند."

یکی دیگر از ما بیندگان، با قاطعیت می گفت که "ما مصمم هستیم تا گرفتار نتیجه ای مملوب حرکتیمان را ادامه ندهیم." در این اشنا کارگری از میان جمع گفت: "این ما کارگران بودیم که علیه امیریا لیسیم و شاه مبارزه کردیم. حالا با اینها (حاکمیت) اینطور ما را سرکوب کنند؟ از اوایل جنگ تحمیلی بیچاره روی پول هستیم، هم می زن و بچه داریم، والله ما روی زمین نمی توانیم بخوریم، اینها که عین خائن نیست نه سوسه ما می کنند، نه هم که کار را راه می اندازند."

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

نفسه از صفحه ۱

در سالگرد تعطیل دانشگاهها مبارزه برای بازگشائی دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی را گسترش دهیم

وسلامتیا ن نیز در سخنرا نیش گریزی به صحرای کزلامیزند: "من خودم در آن زمان (قبل از حمله به دانشگاه) که میرفتم دانشگاه، میدیدم آن چیزی که مطرح نیست در محیط دانشگاهی، ... درس است ... چیزی که بیش از همه چیز، همه را مسحور کرده بود، دعواها و بیرخوردها میخست گروهي بود" (انقلاب آسلا می ۶۰/۲/۳۰).

مسئله روشن است دانشگاهی که سنگر آزادی و کانون افشاگری سیاسته یهودی مردمی است، به مذاق لیبرالها خوش نمی آید، و از آن جا که گفتن صریحها نیست و اقمیت مقدور نیست، سلامتیا ن هسا دست به تحریف آشکا زحقایق میزند و افشاگری دانشجویان از سیاست یاز سازی سرمایه دار یواسیته، و سرکوب وحشیانه خلق کردو ترکمن را "دعواها و بیرخوردهای گروهی" قلعه اد می کنند و از این راه نقش دانشگاه به عنوان کانون مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک را زیر سوال میگیرند.

با توجه به آنچه گفته شد، نقش نیروها یا انقلابی، بیوزنه دانشجویان و استادان مترقی در پیش برد مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها بسیار خطیر است. حزب حاکم سرخستانه در مقابل بازگشائی مقاومت می کند و در این راه از هیج غشونت و جناحیت رویگردان نیست. از سوی دیگر لیبرالها میگویند سوار بر موجنا رضائی بوده، شعاریا زگشائی دانشگاه را به حربه ای برای تقویت موضع خود بدل کنند و در عین حال رهبری این مبارزه ناگزیرا در دست گیرند. در این میان دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی باید با هشاری کامل، ضمن مبارزه بیگیر با حاکمیت ضد انقلابی و ارتجاعی میورند شعاریا زگشائی به میان نوده ها، خط و مرزها ی خود را با لیبرالها مشخص کنند و گشایش دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی را خواستار شوند. و رشکستی

دانشگاهها و شرایط کنونی جامعه، آشکار میشود. تعطیل دانشگاهها، نه به دلیل ادعاها ی عوامفربیا نه ضد انقلاب حاکم مبنی بر تحول نظام آموزشی و انقلاب فرهنگی، بلکه در راستای سرکوب آزادیهای دموکراتیک و تحکیم پیوندهای وابستگی صورت گرفت. دانشگاهها، به مثابه یکی از کانونها ی پرشور مبارزات ضد استبداد امپریالیستی - دموکراتیک و مراکز افشاگری سیاستهای ضد مردمی، خاری در چشم حاکمیت بودند و به همین دلیل سعی با بست سرکوب شوند. و این ضرورت هم چنان - و اینک بیش از گذشته - برای سردمداران حزب مطرح است. مگر می توان دانشگاهها را کشود و انتظار آراش در مقابل انعقاد قرارداد ملیت ملیتداری با کمپانی تالیو تداشت؟ مگردا دانشجویان انقلابی در برابر سرکشتا روشنگر انقلابیون، که استکبار رویدادی و زمره بدل شده، ساکت می نشینند؟ مگردا دانشجویانی که در سخت ترین شرایط، فغان و زسیرا به سرگوم ساواک با رژیم وابسته مبارزه میکردند، اینک برتداوم استعمار و تثبیت سلطه امپریالیزم چشم می بندند؟ حزب یا سخن همه این سئوالا را از پیش میداند، بو این است که علیرغم تفهیدات نوکروف تانه حزب توده مبنی بر "تضمین آرا مش دانشگاه" چنین آرا مش را در افاق نمی بیند و با زگشائی دانشگاهها را اصلاح نمی پندارد.

سیاست دانشگاهی خود را رنگی تازه میرند و این ضرورتی است که نه تنها بدلیل ورشکستگی آشکار "انقلاب فرهنگی" و فشار نوده ها، بلکه در عین حال با مخالفت خوانی لیبرالها و سسه جاک دا درها نشان برای نخصر و علم، به جناحی کم تحمل میشود. آیت الله خمینی در بخشی از پیام نوروزی امسال خود چنین میگوید: "شورای انقلاب فرهنگی لازم است با کوشش فراوان و افزایش گروهها ی سعه و متخصص کار خود را به نتیجه رسانند و در این زمینه دانشگاهها در این سال حدا علی توان خود را بکار ببرند. بدینال این پیام، سران جمهوری اسلامی، هر یک به گونه ای مضمون آن را تکرار کرده و لزوم بازگشائی دانشگاهها را، البته با شرط و شروطی، طرح میکنند. با نزدیک شدن اول اردیبهشت، سالگرد یورش خونین جما قدران و ویاش به سنگرها ی آزادی، این زمره با لامیگردد. اما حقیقت چیز دیگری است. جناحی که تنها به شکل تازه ای از سیاست سرکوب و فریب روی آورده و محتوا همان است که بود. - وحشت رژیم از حرکت دانشجویان انقلابی در سالروز سرکشتا دانشگاه، جرحش ظاهریا ضروری می باشد. و این بود که رژیم با طرح شعاریا زگشائی، و نشاندن "در - باغ سیر"، کوشید تا مسئله دانشگاهها را - خاشمه یافته قلعه اد کرده و زمینه توده ای حرکت دانشجویان در روز موعود را از میان ببرد.

دانشجویان و دانش آموزان هواداریاید با اتحاد عمل با کلیه نیروهای انقلابی و مترقی که مبارزات خود را تنها با اتکا به توده ها به پیش میبرند، به آگاهانی بیشتر مردم در باره مسئله دانشگاهها و هدایت آنها در مبارزه برای بازگشائی آن همت گمارند.

پس از اول اردیبهشت و "رفع خطر" فاز دو مپیاست "حدید" آغاز شد. شرط و شروط به میان آمد، و مشخصات دانشگاهی که باید بدیندیش بود و چه چیزی کمتر از آن رضاند، مورد تاکید قرار گرفت. آیت الله بهشتی در مصاحبه مطبوعاتی خود چنین میگوید: "مسئله تلاش برای شروع کار دانشگاهها برپا به اصل انقلاب فرهنگی یک تلاش واجب است. این چیزی است که همه میخواهند و هموار روی ننا کید شده است. و اما اینکه تحت تاثیر این فشارها، بدون رعایت معیارهای انقلاب فرهنگی گاردی در جهت بازگشائی دانشگاهها صورت بگیرد، این صورت نخواهد گرفت و ملت ما در برابر این تلاشهای مذبذگانه ایستاده اند" (جمهوری اسلامی سوم اردیبهشت).

از سوی دیگر، لیبرالها که در جریان حمله به دانشگاهها بر روی موج پریدند و بیورش کورا ویاش و جما قدران را، با دوراندیشی کامل، به حرکتی نظام یافته و منسجم در جهت سیاست زداشی "دانشگاه و تخلیه دفاتر دانشجوئی بدل کردند، اکنون منافع خود را در بازگشائی دانشگاه می بینند.

تا کید امانت. همین مضمون از زبان خامنه ای آیت الله مشکینی، دکتر شریعتمداری و چندا تحمن و سازمانوا بسته به حزب نیز "فا طعانه" مورد تاکید قرار میگیرد. همه اینها نشان میدهد که سردمداران - حزب که دانشگاهها را از "بیب خوشه ای" - خطرناک تر میدانند نه تنها یلی به بازگشائی دانشگاهها دارند (پلورلشنه ها نشی را که سخت بدان نیازمندند چون تربیت معلم و پزشک) و نه به سادگی بدان رضایند و داد. این واقعیت با تعمق در علل واقعی تعطیل

با همه این احوال، لیبرالها هیچگاه در توصیف دقیق دانشگاهی که خواستار بازگشائی آنند کوتاهی نمیکنند. دانشگاه مطلوب آنان دانشگاهی است "تخصصی زاء" "گارد پرور"، "غیر سیاسی" و "سربراه". در نطقا افتتاحیه سمینار "سرسی بحران دانشگاهها و مدارس عالی" که از جانب "دفتر هما هنگی" برگزار شد، بنی صدر نشانیه ای دانشگاهی مورد علاقه اش را میدهد: دانشگاهی که "دانشگاه" است، یعنی "محل دانش است... اگر دانشگاه دفاتر اجزاب و گروههای سیاسی شد، دیگر سر دانشگاه نیست" (انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۱۴).

رومقتضای سیاست دانشگاهی رژیم، شعاریا زگشائی را جذاب و توده گیر ساخته است. آنچه که باید انجام شود، بسیج نیروها و گردآیین شعاریا زگشائی به عوامفربیان و سازشکارانی است که دانشگاهها را در خدمت بیوزوا زی میخواهند. دانشجویان و دانش آموزان هوادار با ییدا اتحاد عمل با کلیه نیروهای - انقلابی و مترقی که مبارزات خود را تنها با اتکا به توده ها به پیش میبرند، به آگاهانی بیشتر مردم در باره مسئله دانشگاهها و بسیج هدایت آنها در مبارزه برای بازگشائی آن همت گمارند. با برپائی جلسات بحث و گفتگو حول نمایشگاههای خیا یا نیبه افشای سیاستهای دانشگاهی هر دو جناحی که میسر باشد و بازگشائی دانشگاهها یعنی در خدمت زحمتکشان را خواستار شوند. دانشگاهها یعنی: طریق شوراها ی واقعی ا داره شوند، آزادی - فعالیت های سیاسی و صنفی در آن هسا تا مین و شرایط ما دی این فعالیت هسا تضمین باشد، و از طریق شوراها، در پیوند نهادها ی واقعی توده ای در جهت دگرگونی نظام آموزش عالی گام بردارند. با گسترش مبارزات خود برای بازگشائی دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی، گامی در جهت تداوم انقلاب ضد امپریالیستی دموکراتیک میهنمان برداریم.



نگاهی به ۱۵ خرداد ۴۲

در تاریخ مبارزات مسلحانه امپریالیستی - دموکراتیک، روز ۱۵ خرداد با وجود پیروزی‌های ایدارد، ده سال پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد علی‌سره حکومت دکترا مصدق، به دنبال بروز شدت بحران اقتصادی سالهای ۳۸ - ۴۱ و آغاز اجرای اصلاحات امپریالیستی تحت عنوان "انقلاب شاه و ملت"، توده‌های زحمتکش در برابر رژیم ارتجاعی شاه دست به عصیان خونین زدند. حقیقت اینست که اصلاحات امپریالیستی، که به منظور ادغام هر چه بیشتر و عمیقتر جامعه ایران در نظام جهانی سرمایه صورت می‌گرفت، نتوانسته بود طبقات و اقشار اصلی جامعه را، یعنی کارگران و دهقانان و روشنفکران را تا مدتی بفریبد و سردرگم سازد. روشنفکران جامعه از طریق بیانی مبتذل از جنبه ملی‌شعاری "اصلاحات ارضی آری، دیکتاتور شاه نه" را که مبین توهم آنان نسبت به امکان اجرای اصلاحات ارضی دموکراتیک بود مطرح ساختند.

در روز ۱۵ خرداد ۴۲ توده‌های خلقی از اقشار میانی و پائین‌ترین اقشار جامعه بی‌بهره از رهبری انقلابی به منظور ابراز مخالفت با رژیم شاه و اعتراض به توقیف آیت الله خمینی زیر نفوذ بازاریان نمودند. از آن رو که نیونی که عمدتاً "از دیدگاه‌های ارتجاعی عقب مانده" با اصلاحات شاه مخالفت داشتند، به مخالفت راهبیمانی اعتراضی علیه رژیم شاه پرداختند. حقیقت این است که توده‌های متشکله کارگران و نیروهای سیاسی رهبری آنان حضور نداشته‌اند، حتی معدود عناصری که زیر لوای رهبران جنبه ملی و نهضت آزادی رژیم تا نگه می‌داشتند، رهبری برای اعتراض علیه رژیم امپریالیستی و پال کردن نشان شورش از پنجه‌ها از چهار ماه پیش در با زداشت بر می‌پایند. چه بسا خوشحال بودند!

رژیم در مقابل بله‌ها حرکات و تظاهرات مردم طرف چند ساعت در تهرآن و سایر شهرها، هزاران نفر از زحمتکشان میهن ما را به خاک و خون کشید. حقیقت این است که توده مردم عصیان زده در ۱۵ خرداد آماج دگی خود را برای هر نوع مبارزه علیه رژیم وابسته امپریالیسم پرزودا ندند، اما هنوز سازمان‌های انقلابی که بتوانند بی‌انگاز و رهبرخواسته‌ای توده‌ها باشند شکل نگرفته بودند. از این رو بود که رژیم پس از ریختن خون هزاران مبارز خود را نگیخته بخصوص با تکیه بر جنبه‌های ارتجاعی خواسته‌های رهبری آن، به توجیه و پیگیری اصلاحات خویش پرداخت و مضمون ترا پیش در راه وابسته‌سازی ایران به اردوی - جها نسرمایه گام برداشت. حقیقت این است که بخش‌های مختلف روحانیت به دلائل گوناگون با رژیم شاه مخالفت شده بودند. بخشی از آن به این خاطر که رژیم ارضی مستقیماً "به منافع آنان در زمینه برزگملاک و ملاک اوقاف اش به امپریالیسم است شکست حرکت ۱۵ خرداد که چهار ماه پس از فرارندوم ششم بهمن صورت می‌گرفت، رژیم را در اجرای رژیم امپریالیستی

و سرکوب خلق پیگیر تر کرد. این شکست و ریختن خون هزاران مبارز، نشان داد که امپریالیسم در پیشبرد مقاصد خود از هیچ جنایتی رویگردان نیست. شاید طعم همین "پیروزی" رژیم بود که وی را وادار کرد تا تکرار آن در ۱۷ شهریور ۵۷، کشتی طوفان زده خود را از خطر براهاند. لیکن این بار توده مضموم و مبارزه وسیع و شدت - ایضا دبحران و ناتوانی از اجرای رژیم های اقتصادی، او را با شکست مواجه کرد.

حقیقت امروزه آن است که کمابیش همان عوامل و نیروها که رهبری ۱۵ خرداد را بدست داشتند، در جریان قیام ۲۲ بهمن ۵۷، البته در شرایط متفاوت موفق شدند قدرت را به نام مردم در عمل علیه آنها در دست بگیرند. تجربه زنده دو سال و اندی حکومت جمهوری اسلامی که خود را در غیاب رهبری انقلابی مضموم و یکپارچه بر موج زیا ن می‌زد، و همچنین به این خاطر که این اقدام، همچون سایر اقدامات رژیم پس از کودتا، نفوذ سیاسی روحانیت را به سود قدرت سیاسی بورژوازی وابسته کاهش می‌داد و بخشی دیگر علاوه بر دفاع از مصالح صنفی و قشری، به دیکتاتور رژیم که جنبش ملی را خفه می‌کرد معترض بودند. بخش عمده - این روحانیون از کسانی بودند که ۱۵ خرداد ۲۸ مرداد به دستاویز این کسه راه را بر نفوذ کمونیسم در کرده است، مستقیم و غیر مستقیم آن را تأیید کردند.

حقیقت این است که توده‌های زحمتکش و تحت ستم در بزرگترین تظاهرات قیام رژیم پس از مرداد ۲۲، فاقد رهبران انقلابی بودند و ناگزیر این جنبش اساساً "جنبش خود انگیخته بود. فقدان سازماندهی توده‌ها و فقدان رهبری انقلابی و برتری نظامی دشمن موجب شده که توده‌ها در - مصافی نا برابر، بی‌آنکه مستقیماً دستاوردی داشته باشند، برخاک بیفتند و شکست کوهی شدیدی را بپروزی درک ضرورت مبارزه مسلحانه، بی‌شکوه و مبارزه برای رهایی تاریخی میهن ما تجربه‌های جهانی در کوبا، الجزایر و غیره زمینه‌ساز درک ضرورت ایجاد سازمانهای انقلابی چون سازمان چریکهای فدائیی خلق و سازمان مجاهدین خلق و دهها گروه کوچک و بزرگ دیگر شد و این همه حاصل جمع بندی سالها مبارزه در عرصه ملی و جهانی و همچنین تجربه ۱۵ خرداد و نظایر آن در ذهن روشنفکران انقلابی میهن ما است.

در آنچه به نقش آیت الله خمینی در ۱۵ خرداد مربوط می‌شود باید نکاتی را تصریح کرد. در واقع تظاهرات ۱۵ خرداد با سخنی بود از جانب توده‌های خرد بورژوازی دارای - گرایشهای مذهبی علیه توقیف آیت الله خمینی در شب ۱۲ محرم، آیت الله خمینی نخستین کسی بود که با اعلام عید سال ۴۲ به عنوان عزای "به خاطر فرارندوم مفتضح" بهمن ۱۳۴۱، مراحتاً "به رژیم ما اعلام جنگ کرده بود. اما از یاد نمی‌بریم که وی نیز به خاطر اصلاحات ارضی که می‌خواهد - تجارت و زراعت را از زمین ببرد، می‌خواهد شروتها را تصاحب کند، (از نطق ۱۳ خرداد

زحمتکشان مشه‌دی بار دیگر نشان دادند که: قدرت زحمتکشان تنها

در اتحادشان نهفته است

زحمتکشان کوی سحس و لند و ریحانر تحقق خواسته‌های سحس با سن حاده دولت را محصور به رسدگی به حواسها - بیان کرده و بدین طریق نشان دادند که قدرت زحمتکشان تنها در اتحادشان نهفته است. مدتها بود که شهرداری شهید کاظمی کوی سحس و التیمور را نیمه تمام رها کرده بود. اما هالی منطقه برای تمام کارکنان و همچنین اسفالت جاده و بوق و اتوبوس و احداث راه شهرداری و سایر ادارات دولتی مراجعه کردند ولی هر بار حرج و حاشیه‌ها سر بالا و وعده و وعده‌ها دیگر در یافت نکردند. بدینال این مسئله زحمتکشان این منطقه جاره کار را در اتحاد و عمل مستقیم خود دیده و بسا سستی جاده و دادن شعار تا بولدوزر - نیا مده جاده را با زخمی کنیم" فریاد اعتراض خود را بگوش زحمتکشان رساندند. شهرداری جمهوری اسلامی به شیوه همیشگی خود گوشید با فرستادن ژندار مهسا و پاسداران فریاد زحمتکشان را در گلسو خفه کند ولی وقتی با اتحاد و مقاومت زحمتکشان مواجه شد، محبور شد عقب نشینی کرده و بولدوزری برای تمام کانال بفرستد. در همین رابطه هواداران - سازمان در مشهد در اعلامیه ای بنا ریخ بیست و سوم اردیبهشت ضمن شرح جزا و افشای ما هیت حاکمیت، از خواسته‌های برحق زحمتکشان این منطقه پشتیبانی کردند.

(۴۲) و به خاطر آن فرارندوم غلط، آن فرارندوم مفتضح و برخلاف مصالح ملت ایران "به دنبال اعتراض علیه" تصویب نامه‌های غیر قانونی، "اعطای - حق رای به زنان" در این جنبش مشارکت داشت. اما وی در نطقهای بیس از زندان و شعیفانکا و کرده بود که با نفس اصلاحات مخالفتی ندارد. "خواسا آزادی است و مخالفتش با دیکتاتور رژیم و سر جنبش توده‌ها سوار کرد، فرصت تاریخی مناسبی است برای دزدکی این که توده‌ها برای پیشبرد مقاصد انقلابی خویش به رهبری انقلابی تیارند. در پرتو تحلیل این تجربه و شناخت اجزاء متشکله، قیام ۱۵ خرداد و تفکیک انگیزه‌های "رهبری" از انگیزه‌های خود جوئی توده‌هاست که میتوان از قید توهمات نسبت به ظرفیت انقلابی روحانیت و نمایندگان سرمایه تجاری‌ها شد. این نیز درسی است که توده‌ها به بهای گران آموختند، در پرتو تحلیل سرنوشت قیام بهمن روشن می‌گردد که ضرورت پیوند کارکنان میان رهبری انقلابی و توده‌های کارگران و دهقانان، زحمتکشان و روشنفکران، همچنان در دستور روز قرار دارد و جزا طریق تحقق این ضرورت نیست که انقلاب به پیروزی نهایش نائل آید. با شهیدای خلق اگر ارمی و بیسار بیمان خود استواریم که به خواسته‌های انقلابی توده‌ها جامعه عمل پیوسته کنیم.



افشای اسناد مربوط به توطئه سرکوب سازمانها و گروههای سیاسی

۱۵ روزه مهلت (طلوگیری از برخواستن) حزب الله یا گروه های مسلح و واگذاری آن به مسئولین).

به بلافاصله پس از اعلام دادستانی موج وسیع حمایت دولت و کلیه نهادها و گروههای خط امامی از این حرکت (طبی مباحیه، اعلامیه، نماز جمعه...) تحت مسئولیت آقای زنگنه معا و روزی را شاد". همزمان با این تبلیغات وسیع که هدف آن فراهم کردن زمینه اجتماعی جهت سر خوردن سازمانها و گروههای سیاسی است شناسائی و بنا زدشت اعضاء سازمانهای سیاسی آغاز می شود. رژیم برای شناسائی و سرکوب نیروهای انقلابی علاوه بر سرگروه های رسمی مادی و معنوی سرکوب خود از زبانهای تروریست موسوم بحزب الله نیز در این زمینه استفاده خواهد کرد. در همین سندها رابطه حزب الله و دولت اشاره شده است و بر خورد حزب الله با گروهها و سازمانهای انقلابی به بعد از مهلت ۱۵ روزه محول شده است. اطلاعاتی ها ئی که اخیراً از سوی تروریست های حزب اللهی منتشر می شود، نیز این مسئله را تأیید می کند. در این اطلاعاتها بر خورد های وسیع حزب الله به تصویب لایحه مذکور و فرمان آیت الله خمینی موصول شده است. (مادرزیریک نمونه از این اطلاعاتها را نیز به همراه این سند منعکس می کنیم). پس از اجرای این مراحل بقول خودشان دستگیرشدگان با شناسائی مجازات می رسند.

این خلاصه ایست از طرح توطئه ای که رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب سازمانها و گروههای انقلابی تدارک دیده است.

با دقت در این طرح روشن می شود که علاوه بر اقدامات حساب شده و سیستماتیک برای سرکوب سازمانهای انقلابی، از شیوه ای ریاکارانه در تقسیم بندی گروهها استفاده شده است و هدف آن از یکسو اغتشاش فکری در میان توده های مردم و از سوی دیگر شکاف افتادختن در میان سازمانهای انقلابی است.

فی المثل در دسته اول دارو دسته ارتجاعی زرگاری را که تاکنون سازمان های انقلابی کردستان مکرر نیروهای آنرا سرکوب کرده اند و اساساً نقش هم در کردستان و در میان توده های خلق کشیدند، دارد. در کنار نیروهای انقلابی ذکر شده اسبئات دزدان توده های مردم آشفته فکری و شک و شبیه ایجاد کنند.

ثانیاً کوشیده است که با تقسیم بندی سازمانهای انقلابی به گروههای متخاصم با لفظ و یا لقوه ابتدا به سرکوب بخشی از سازمانهای انقلابی بپردازد و پس از آن سرکوب دسته دوم را آغاز کند. تمامی سندها و شیوه های توطئه گرانسه آن که به طرح یک کودتا شبیه است، بیش

از روز دیگر بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای خود مبنی بر سلب حقوق و آزادیهای سیاسی توده ها، تلاشهای گسترده ای را در جهت سرکوب سازمانها و گروههای سیاسی انقلابی آغاز کرده است.

اطلاعی ده ماده ای دادستان کل انقلاب و لایحه مربوط به فعالیت گروهها و سازمانهای سیاسی که برای تصویب به مجلس فرستاده شده است، سرآغاز این مقدمات سرکوب گرانه محسوب می شود. سند محرمانه ای که در زیر افشامی شود، با شکارترین وجهی نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی طرح یک توطئه جنایتبار را علیه گروهها و سازمانهای سیاسی تدارک دیده است و می کوشد با یک برنامه حساب شده و کاملاً توطئه خود را عملی سازد.

اسناد نشان می دهد که خطوط کلی این توطئه در تاریخ ۵۹/۱۱/۹ و ۵۹/۱۱/۱۱ - تصویب جمعی از دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی از جمله وزیر کشور دادستان کل کشور، دادستان انقلاب، فرمانده سپاه پاسداران، وزارت ارشاد ملی، مسئولین

اطلاعاتی و امنیتی، شهر با نی، کمیته ها، زندانها و... رسیده است. بر طبق این سند قرار بوده است که طرح توطئه سرکوب سازمانهای انقلابی با برنامه حساب شده انجام گیرد. آغاز این توطئه بنا صدور یک اطلاعیه از جانب دادستان انقلاب آغاز می گردد. در این اطلاعیه به سازمان های انقلابی اطلاع داده می شود که طی پانزده روز سلاحهای خود را به سپاه پاسداران و کمیته ها تحویل دهند.

روشن است که هدف رژیم جمهوری اسلامی از این اطلاعیه توجیه قانونی برای سرکوب بعدی است. بنا بر این همزمان با این اطلاعیه و حتی پیش از آن تبلیغات وسیع گسترده ای را علیه سازمانهای انقلابی آغاز می کند. در این سند گفته شده است:

"قبل و بعد از اعلام دادستانی فعالیت تبلیغاتی وسیع تحت مسئولیت برادر زنگنه معا و وزیر ارشاد جهت منطوره شرح ذیل انجام خواهد شد:

الف - فراهم شدن زمینه اجتماعی جهت برخورد با این سازمانها و گروهها

(تأکید از ماست)

ب - مشخص کردن گروههای متخاصم بالفعل

ج - ممانعت از هرگونه برخورد گروههای مردمی (بخوان تروریست های حزب اللهی) با این سازمانها و گروهها در مدت

از پیش ما هیت ضد انقلابی، ارتجاعی و شیوه های توطئه گرانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را نشان می دهد.

با افشای این سند زحمتکشان میهن ما با یدهوشیا ربا شدند و بدانند که چنانچه رژیم جمهوری اسلامی امکان یا بد، این شیوه های توطئه گرانه و ضد انقلابی خود را کاملاً عملی می سازد و پس از گذشت مدتی چند، همانند دوران رژیم شاه، حکومت سرنیزه و اختناق به خلق ایران تحمیل خواهد شد.

رژیم جمهوری اسلامی سرکوب سازمان های انقلابی را هدف فوری و بلاواسطه خود قرار داده است و این امر از ما هیت ضد مردمی این رژیم ناشی می شود. زیرا رژیمی که برخلاف منافع و مصالح توده ها کاملاً بر دارد، رژیمی که خیانت به خلق را پیشه خود سازد، نمیتواند به سازمانها و گروههای انقلابی که از منافع توده ها دفاع می کنند، اجازه فعالیت علنی بدهد.

چگونه ممکن است رژیم که امروز رسوائی را با تجار رسانده است که بی پروای امپریالیستها قرار داده های اسارت بار منعقد می کند. رژیمی که با انحصارات امپریالیستی نظیر تالیوت، کروپ، میتسوبیشی و... زده و بند می کند، رژیمی که نفت را در دست در اختیار انحصارات آمریکائی، انگلیسی و فرانسوی قرار داده است، رژیمی که در هر هفته چند کشتی اسلحه و مهمات از آمریکا وارد می کند، رژیمی که مردم را بفرقه های روزی کشانده و جربیدختی، بیگاری و آوارگی نموده ای. برای مردم نداشته است، اجازه فعالیت علنی به سازمانها و گروههای انقلابی بدهد؟

رژیم جمهوری اسلامی بخوبی میداند که این سازمانها، تمامی این سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی رژیم را از توده های مردم آفشا خواهند کرد. بنا بر این می کوشد تا با منع فعالیت علنی آنها، ببرد فعالیت افشا گرانه آنها را محدود کند. رژیم تنها با سازمانها و گروههای اجازه فعالیت علنی می دهد که بر سیاستهای ضد مردمی آن مهر تأیید بزنند. طبیعی است که این سازمانها نظیر حزب توده، جبهه ملی، اکثریت، ورنجبران همسان گروههای هستند که تاکنون خیانتشان بخلق و توده های مردم مکرر با شکست رسیده است. اما رژیم جمهوری اسلامی باید مطمئن باشد که توده های زحمتکش میهن ما اکنون با آن درجه از آگاهی رسیده اند که اجازه ندهند، این بار رژیم جمهوری اسلامی همان سیاستهای رژیم گذشته را دنبال کند.

توده های زحمتکش میهن ما در مقابل سیاستهای توطئه گرانه و سرکوب گرانسه

نصفه در صفحه ۸

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد

افشای اسناد مربوط

به توطئه...

نسخه از صفحه ۷

رژیم علیه نیروهای انقلابی خواهند ایستاد و سازمانهای انقلابی نیز استوار و بیگیربسیار زه خود ادامه خواهند داد.

رژیم جمهوری اسلامی باید از گذشته درس گرفته باشد و بداند ندکه ما سرکوبهای دوران رژیم شاه را از سر گذرانده ایم، رفقای ما در کوران مبارزه سرکوب و زندگی، در شکنجه گاهها و زندانهای رژیم آریا شهری آبدیده شده اند. مدارس بهترین روزهای تاریخ ایران در سالهایی که دیکتاتوری عتاق کسینخته رژیم شاه بر میهن ما حاکم شده بود، بمبارزه مسلحانه علیه این رژیم برخاستیم. ما همسازان فدائیان خلق هستیم و امروز نیز فدا دریم تحت هر شرایطی بمبارزه خود ادامه دهیم. توطئه های رژیم جمهوری اسلامی را خشنی کنیم و از منافع کارگزاران و زحمتکشان دفاع نمائیم.

متن اسناد

بسم الله الرحمن الرحيم

صور تجلیه کلی، جلسه هماهنگی مقابله با احزاب و گروههای ضد انقلاب، حاضرین در جلسه اول ۵۹/۱۱/۹ - ساعت ۱۶ الی ۲۰/۳۰.

- * آقای مهدوی کنی وزیر کشور و سرپرست کمیته
- * آقای باقر کنی، مسئول کمیته مرکز
- * آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور
- * آقای مرتضی رضاشی، فرمانده سپاه پاسداران
- * آقای قدوسی، دادستان انقلاب
- * آقای زنگنه، معاون وزیر ارشاد
- * آقای میر سلیم، سرپرست شهر بانی
- * آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی
- * آقای محسن سازگارا، معاون سیاسی وزیر مشاور
- * آقای علی قوچک نلو، مسئول واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
- * آقای نصرالله جهانگرد، مسئول بخش تحقیقات واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی.

حاضرین در جلسه دوم ۵۹/۱۱/۱۱ ساعت ۱۶ الی ۱۹

- * آقای مهدوی کنی، وزیر کشور و سرپرست کمیته
- * آقای باقر کنی، مسئول کمیته مرکز
- * آقای موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور
- * آقای صفر لاجی، فرمانده ستاد سپاه پاسداران
- * آقای قدوسی، دادستان انقلاب
- * آقای زنگنه، معاون وزیر ارشاد
- * آقای حسین غفاری، عضو شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- * آقای لاجوردی، دادستان انقلاب تهران
- * آقای کجوشی، مسول زندان اوین
- * آقای خسرو نهرانی، معاون اطلاعات و امنیت نخست وزیر
- * آقای جزایری، مدیر کل سیاسی وزارت کشور
- * آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی
- * آقای علی قوچک نلو، مسئول واحد احزاب و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور
- * آقای جهانگرد، مسئول بخش تحقیقات احزاب

و گروهها معاونت سیاسی وزیر مشاور در ابتدا ای جلسه، دستور جلسه توسط آقای نبوی مسئول جلسه اعلام شد و بنا به تصویب اعضای جلسه قرار شد مذاقی دسته چهارم (گروههای متخاصم، گروههای کله خاها و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند) و دسته سوم (گروههای مخالف گروهها) که با این رژیم مخالف هستند و لی خواستار سرنگونی رژیم از راههای مسلحانه در حال حاضر نیستند) بحث شد.

طبق تصویب جلسه دسته چهارم به دو بخش گروههای متخاصم مسلح با لفظ (کلیه) گروههای کله خاها و سرنگونی رژیم هستند و برای این منظور دست به اسلحه برده اند و علیه نظام مبارزه مسلحانه میکنند) و گروههای متخاصم با لفظ (کلیه) گروههای که در حال حاضر بنا به عللی هنوز علیه نظام جمهوری اسلحه بکار نبرده اند ولی بهر جهت در صورت لزوم چنین کاری خواهند کرد) تقسیم شدند که مصادیق آن به این ترتیب مورد تصویب جلسه قرار گرفت:

دسته چهارم گروههای متخاصم:

الف - گروههای متخاصم با لفظ عبارتند از:

- ۱- حزب دمکرات (جناب قاسملو)
- ۲- کوموله
- ۳- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
- ۴- رزقاری
- ۵- چریکهای فدائی (اقلیت)
- ۶- فدائیان خلق (اشرف دهقانی)

ب - گروههای متخاصم با لفظ عبارتند از:

- ۱- سازمان مجاهدین خلق ایران
- ۲- چریکهای فدائی مستقل
- ۳- رزمندگان راه کارگر
- ۴- آرمان مستضعفین
- ۵- راه کارگر (علی اصغر ایزدی)

و مصادیق دسته سوم به این شرح تصویب گردید:

- ۱- حزب توده
 - ۲- سازمان چریکهای فدائی (اکثریت)
 - ۳- رنجبران
 - ۴- حزب دمکرات طرفدار کنگره چهار (جناب غنی بلوریان)
 - ۵- جنبه ملی
- سیس جلسه در مورد چگونگی برخورد با این گروهها وارد بحث شد.

پس از دو جلسه بحث مواد زیر به تصویب رسید:

۱- طی اطلاعیه ای که از سوی دادستان انقلاب صادر میگردد به کلیه گروههای مسلح که علیه نظام جمهوری اسلامی اسلحه کشیده اند مهلت داده میشود که اسلحه های خود را به مراکز سپاه و کمیته تحویل دهند و متعهد گردند تا پس از این در چهار چوب قانون اساسی و قوانین جاری مملکت به فعالیت خود ادامه دهند.

۲- در صورت عدم تحویل سلاح گروههای مسلح، غیر قانونی اعلام و با آتشیان شدت مقابله خواهد شد.

۳- قبل از اعلام یا زنده روزه سپاه و کمیته تحت سرپرستی برادر تهرانسی معاون اطلاعاتی نخست وزیر کلیه سران گروههای متخاصم مسلح با لفظ شناسایی و دستگیر شوند و مهلت در زندان خواهند داشت تا رسماً اعلام نمایند که دیگر دست به اسلحه نخواهند برد.

۴- قبل و بعد از اعلام دادستانی فعالیت تبلیغاتی وسیع تحت مسئولیت برادر زنگنه معاون وزیر ارشاد جهت

سه منظور به شرح ذیل انجام خواهد شد:

الف - فراهم شدن زمینه اجتماعی جهت برخورد با این سازمانها و گروهها.

ب - مشخص کردن گروههای متخاصم مسلح با لفظ.

ج - معانعت از هرگونه برخورد گروههای مردمی با این سازمانها و گروهها در مدت ۱۵ روزه مهلت (جلوگیری از برخورد حزب الله با گروههای مسلح و واگذاری آن به مسئولین)

د - بلافاصله پس از اعلام دادستانی موج وسیع حمایت دولت و کلیه نهادها و گروههای خط امامی از این حرکت (طی مواضع و اعلامیه و نماز جمعه و...) تحت مسئولیت آقای زنگنه معاون وزیر ارشاد.

ه - پس از سر آمدن مدت مهلت، شدت تمام کلیه سران و کادرهای سازمان دستگیر و محاکمه و به اشد مجازات برسند و حتی کلیه محاکمه در حین فرسودش روزنامه، بخش اعلامیه و بیلاکارت و سایر هرگونه فعالیت به نفع این گروهها دستگیر و در جهت ارشاد مجازات شوند.

۶- محاکمات اینها باید علنی باشد.

۷- طی اطلاعیه وزارت کشور اعلام نماید به علت شرایط فعلی جامعه (مسأله جنگ) هیچ حزب و گروهی اجازه تظاهرات و میتینگ ندارند.

۸- طی برنامه وسیع تبلیغاتی تحت مسئولیت برادر زنگنه شدیداً با احزاب متخاصم مسلح با لفظ (چون سازمان مجاهدین خلق) برخورد و پیشگیری و سیاسی نماید و پس از مدتی کوتاه آنها را دعوت به مناظره نماید (بخصوص از طریق رادیو و تلویزیون).

۹- طی برنامه های وسیع و روشن مردم از هرگونه برخورد با این سازمانها (بخصوص مجاهدین خلق) برخوردارند و روشن کنند که حفظ موجودیت اینها در این گونه برخوردها است و عمدتاً خود این گروه ها خواهان چنین برخوردهایی هستند (در صورت لزوم از نیروی مردم استفاده خواهد شد).

۱۰- وزارت ارشاد اعلام نماید کلیه سازمانها و احزاب جهت داشتن روزنامه و نشریه آزادند منوط به داشتن اجازه از سوی وزارت ارشاد.

۱۱- دادستان انقلاب سعی کند حتی المقدور کمتر مهلت درت به دستگیری سمیتهای این سازمانها مخصوص (مجاهدین خلق) نماید و زندانیان فعلی هم که اکثراً در رابطه با روزنامه فروشی و بخش اعلامیه و دستگیر شده اند به نحوی آزاد نماید (البته پس از تکمیل پرونده).

۱۲- کلیه شرکت کنندگان در جلسه متعهد شده اند از هرگونه اقدام خارج از چارچوب تصویب شده در جلسه مزبور جداً خودداری کنند.

۱۳- دفتر وزیر مشاور موظف گردید که مصوبات جلسه را جهت امضا کلیه شرکت کنندگان ارسال و حرکت کلی عملی را تعقیب نماید.

۱۴- کلیه مطالب مطروحه در جلسه محرمانه تلقی میگردد و کلیه شرکت کنندگان موظف به رعایت آن میباشند.

والسلام
اصل اسناد
در صفحه متنازل
۵۹/۱۱/۱۱

مردم ایران لایحه قصاص را که تبلور دوران بربریت و توحش است به زباله دان تاریخ خواهند افکند

طرح لایحه قصاص از حاکمیت حاکمیت و جسم اندازی که در سورس به حقوق انسانی مردم ایران بدست می‌دهد آنچنان نظر مردم را بخود جلب کرده است که حرشبت مسلمان گفتار آسنادی حکومت جمهوری اسلامی کسر لایحه با قانونی وجود داشته که با آن آسناد راه‌افسار و طغیان مردم نسبت به آن حساسیت و عکس العمل نشان داده‌اند. در عین حال مضمون محتوای ارجحای این لایحه و مخالفهای مردم با آن آنچنان است که حاکمیت هم موضع قوی و مایل برای در هم آلودگی آن ندارد و در واقع در حالت تدافعی قرار دارد. از آنجا که یک مبارزه فاعل و بیروزمند برای رد و پرداخت این لایحه ضرورت دارد، لازمست تا تحلیل سیاسی نیروها در قبال این حرکت ضد انقلابی حاکمیت بنماییم.

موقعیت و رجوع دولت: حاکمیت آسناد اینطور و آسود میگردد که دادگاه‌های انقلابی که در تریق موارین سرعسی اداره میشوند، دادگاه‌های اختصاصی و موتعی هستند. ولی کم کم که پایه‌های خود را محکم میگردند رجوع را بر سر ما می‌گذارند و بر قواست حقوقی و حرای کسراست. دولت تا سلط بر سور عالی فضائی و مجلس و اعلام امسال بعنوان سال قانون مصمم دارد مقررات سرع را در قالیست لایحه تنظیم کرده است. صورت مجلس رسائده و مردم بحسن کند با این بریت با قانونی را با صورت و سید قواست ارجحای و عد مردمی سلط بر قصاص نیایان رسائده. رژیم تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی میخواهد ارجع شود و اقتدار مذهب تسعه و هم چنین آبت‌الله خمینی استفاده کرده‌اند هم حمایت بوده‌ها را انکس با این قواست سرعسی جلب کنند و هم مخالف حرایات سیاسی را با "حقای سرعی" خفه سازد. درجهیت بیاده کردن این سیاست است که بهیشتی در ۲۱ اردیبهست اعلام میدارد:

"بسیار (حقوقدانان) بوسه اندکده ترجمه گفته‌ها و بوسه‌های قضایا بدیم در در ادواست می‌کند. اما بهیست بداند که آنچه ما بعنوان لایحه قصاص می‌نویسیم نیست از هر چیز بر آن قانونی و مرجع عالیقدر و ولی فقیه امام خمینی است و هر جا که بیس قنای فقیه اختلافی بوده است، قنای امام خمینی را اولی دانسته‌ایم."

رساله عملیه احساجی به صورت مجلس ندارد. لایحه قصاص خود مصوب شده است. فدائی اسبابا همین استدلال دولت در نظر داشته و در لایحه قصاص را با یک ما نور حیات شده و کلک با رلماتی (یعنی صورت آن در کمسیون قضائی واحد سر ا بطور آرمایش برای سه سال!) بدون سروصدای صورت مجلس گذرانده و بمورد اجرا بگذارد. البته اولس کوشش آنها موفق نبود ولی احام مقصود را به رورهای آسوده موکول کرده‌اند.

سزای آنکه رمرمه‌های مخالف با این لایحه در سن قضا و حقوقدانان بلند است. البته بهیستی و طغیان دفاع و بوجه این لایحه را عهده گرفتند و بعنوان اولس حرکت، پیشنه داشتند "آزاد" در باره این لایحه را در یکی از سالهای دادگسری کرد. اما حقوقدانان معمری در این بحث با صلاح آزاد شرکت نکرده و اعلام دانشندان حلسه در خور بحث علمی نیست و این بحث احساجی به قضائی بازدارد که در جرح علمی است پس از این حلسه، رئیس کل دادگاه‌های عمومی و رئیس دادگاه‌های طح بهران به حجتان بهیستی مسی بر اینکه آنها در کمسیون تدوین لایحه قصاص شرکت داشته‌اند اعراض می‌کنند. همین امر باعث میشود که بهیستی در مواجحه مطبوعاتی همگی خود به آنها حمله کرده و آنها را به بددیه برکاری کند و حدر و رر بصد (۱۲۷ ر دیبهست) سور با عالی قضائی هم این دفاعی و جند قاصی دیگر را رسمت خود بر کارگردوانین ترتیب اولس فریاسان اعتراض به لایحه قصاص به "سلح" رفتند تا عبرت دیگران کسزدند! و این ترتیب ملاحظه می‌شود که علیرغم جو مخالفت آیزی که در بین مردم نسبت به این لایحه وجود دارد و علیرغم اعتراضات که از طرف قضا و حقوقدانها و حتی بعضی از روحانیون (نظیر محمد جواد حسی کرمانی و...) که تحت عنوان مهیا نبودن جا معه برای اجرای حدود اسلامی لایحه قصاص مخالفت می‌کنند (سعمل آمده، سران جمهوری اسلامی در بصورت رسایدن و فرم قانونی دادن به لایحه قصاص مصر هستند. بهیستی این اصرار را در سخنان ترسان کرده است: "مادری احاد نظام سوین بیطرفه اسلامی هستیم و به خوشتان می‌دآید این و آن سیاست خود داشته‌ایم

بر رجوع نکرده‌ها به لایحه قصاص: عکس العمل مردم در مقابل این لایحه از همان ابتدا بطور کلی مخالفت و اعتراض بود. اما آنها ابتدا با ناباوری بدست انداختن

و مسخره کردن مفاد لایحه پرداخته و لسی کم کم با جدیت به عکس العمل پرداخته و اکنون در هر جا به، در هر اداره، و هر مدرسه و حتی در کارخانه‌ها و خلاصه در هر کجا عده‌ای جمع میشوند در باره لایحه قصاص صحبت کرده و نسبت بان ابرار از حصار کرده و دولت را بخاطر آوردن جنسین لایحه‌ای مورد حمله قرار میدهند. در این میان بعضی از مردم هم میگویند: "خیلی خوبست این صورت نمود جو که این بهترین چیز برای ما بودی خودتان است... چه بهتر از این، با اسکار رگور خودتان را می‌کنند." البته این برخورد سادانه دیدگاه از یک طرف از شدت نفرت مردم از این لایحه حکایت می‌کند و از طرف دیگر ناشی از عدم درک خطری است که تصویب و اجرای جنسین قوانین متوجه حقوق دموکراسی مردم میکند. و نتیجه این جنسین برخوردی این خواهد بود که بجای کوشش مبارزه جوانان برای پرداخت این لایحه، حالتی بی‌شمارت و غیرفعال اتخاذ شود.

بر رجوع نیروهای سیاسی و سازمانهای دموکراسی: تقریباً تمام سازمانهای انقلابی (م-ل) به مخالفت و اقتضای سیاست به این لایحه پرداخته‌اند. نیروها و عناصر دموکرات انقلابی با گرایشهای مذهبی هم با ناخبر و زلزله لایحه قصاص از در مخالفت برآمده است ولی علت آنکه از این امر و همه داشته‌اند که می‌اد مخالفت آنها با این لایحه ارتجاعی، مخالفت با مذهب تلقی شود در موضعگیری صریح و قوی تعلل بخرج دادند. در حالی که توده‌ها علیرغم آنکه به مذهب بعنوان یک اعتقاد عمیل میکنند نشان دادند که با چنین مقررات عقب مانده که نجوا و ز آشکار به حقوق انسانی آنهاست بی‌تربید مخالفت می‌کنند. در این رابطه مجاهدین خلق که روی لایحه حزب ویا سا بر مسائ، مبرم جا معاضات گریهای وسیع و همه جانبه کردند با ناخبر چه راه‌ها موضعی رسمی کردند (در مجا هده ۱۲۰) ولی مخالفت ضمنی خویش را قبلاً با چاپ اعلامیه ۱۱۳ از قضا و حقوقدانان با سرراز داشتند.

سازشکاران و ابوریستینهای حزب توده و جناح راست اکثریت هم علیرغم پشتیبانی از سیاستها و سرنامه‌های حاکمیت، نتوانستند از موضعگیری علیه این لایحه ارتجاعی خودداری کنند. زیرا آن لایحه قصاص آنقدر شور بود که جنسین جان‌های حزب توده و جناح راست اکثریت هم فهمیدند! حزب توده با لحسن ملتزمانه‌ای از زعمای قوم خواهش نشد در صفحه ۱۵

تور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

جنبش جهانی

کارگری - رها سحر



السالوادور:

سازش نه،

انقلاب تاپیروزی

۲۶ اردیبهشت کمیته روابط خارجی سنای آمریکا ضمن تصویب لایحه ۵/۸ ملیارد دلاری کمکهای خارجی دولت ریگان کمکهای نظامی ویژه ای را به رژیم السالوادور توصیه و تأیید کرد.

۲۸ اردیبهشت سخنگوی فاریا بود و مارتی اعلام کرد که آمریکا میگوید تا در فاصله ماههای مه و اوت در صورتیکه پیرویههای انقلابیون همچنان ادامه داشته باشد اقدام به یک دخالت مستقیم نمائند تا مگر از این طریق رژیم السالوادور را در برابر انقلاب یاری رسانند جنبش انقلابی را به پذیرش راه حل مسی منضم بقای رژیم حاکم وادار کنند.

۱۲۹ اردیبهشت در این روز تشکیل "تربکاردهای بولیوار" متشکل از انقلابیون سایر کشورهای آمریکای مرکزی جهت اعزام به السالوادور و شرکت در جنگ رهائی بخش در کنار خلق فهردان آن کشور اعلام شد سخنگوی این تربکاردها بین المللی این اقدام را مناسبه واکتس طبیعی انقلابیون و خلقهای آمریکا مرکزی در برابر دخالتهای جنایتکارانه امپریالیسم آمریکادار السالوادور توصیف نمود.

امروز دیگر معنای واقعی واهداف اصلی تلاشهایی که برای بهسازی کشاندن جنبش السالوادور را شورای نظامی جنایتکارانه از یکدوماه پیش و سیماعاز شده است روشن میگردد. واقعیت

نقشه در صفحه ۱۴



معدنچیان آمریکا

گارد اعتصاب

تشکیل دادند



فرار داد صالح میداندند که منافس مع کارگران را به دفع سرمایه داران بر سر سکا دارد.

ما حیوان... شما زکرمعادن در مقابل ما با یکبار چکی کارگران، طبق معمول بسد نیروی سرکوبگردولتی و سرورسهای اخیرنده سول می خوبند. جان والسور فرما بدار و بر حسب به منظور موقوف کردن حرکت کارگران که از نولد غیر اتحادیه ممانعت بعمل آورده بودند ۲۴۰ نظامی را به معادن منطقه کسبل دست فرما سکا اناست کسی بر به اقدامات مانعانهی دست برد. بر ما به داران می کوشیدند تا از دو طرف یکی نولد غیر اتحادیه ای و دیگری سرکوب منظور همزمان استفاده کرده اعتصاب یکبار چه کارگران را در هم شکند.

در مقابل، کارگران یکی از معادن جهت دفاع از اعتصاب یک کار کرده ۲۰ نفری تشکیل داده اند و در بسیاری از مناطقی دیگر کارگران زادی مسلح شده اند تا در برابر نیرویست های اخیر شده از جان خود و یاران شان دفاع نمایند. عده ای دیگر از معدنچیان انتخاب شده اند تا از حرکت کامیونهای حامل ذغال جلوگیری نمایند. معدنچیان منطقه کنتاکی موفق شده اند ۲۵٪ عملیات تولیدی غیر وابسته به سندیکی کارگری را متوقف کنند.

در ویرجینای غربی نیز کارگران با انباشتن ذغال سنگ در جاده کنتاکی ویرجینیا مانع حمل ذغال سنگ از معادن به کارخانه ها شده اند.

اتحاد کارگران معادن علی رغم بورسهای وحشیانه زاندارمها و سرورسهای حامی سرمایه هرروز محکمتر می شود. اکنون کارگران برای دفاع از منافع مشترک خویش در برابر بزرگترین اتحادیه امپریالیستی استاده اند.

طبق آمار رسمی ۲۰ کمپانی تولید کننده ذغال سنگ در مالیکت و بر سر منطقه ۸ غول قتی، سه کمپانی استخراج کننده و دو کارتل صنایع فولاد فرار دارد. این کمپانی ها خودبخوبی از انحصارات صنایع نظامی هستند که نیازهای انرژی بتاگون (وزارت دفاع آمریکا) و سلاحهای هسته ای را تامین می کند.

اعتصاب ۱۶۰ هزار نفری کارگران معادن ذغال سنگ آمریکا که از حدود دوماه پیش آغاز گردید در برهه ای بسیار پایداری همگانی این زحمتکشان همچنان ادامه دارد. زیرا اگر چه کارفرمایان امپریالیست ظاهراً "خاضع به حدید بنظر در قراردادها شده اند اما با پیشنهاد غیر قابل پذیرشی که ارائه داده اند عملیات تاکنون به مفاومت مدیوحانه خود ادامه می دهند سرمایه داران برای درهم شکستن اتحاد کارگران و جلوگیری از اقدامات مشابه در آینده در طرح خود موضوع تقویت تولید ذغال از طریق عملیات استخراجی توسط کارگران غیر سندیکی را کنجاندند و در تطبیق این طرح کارفرمایان می بایست با عقید فرار داد بدون حضور نمایندگان اتحادیه های کارگری از پرداخت حق بیمه و بازبینی برای کارگران به صندوق اتحادیه سر بیا زنند.

کارگران معادن در برابر این طرح ایستادگی کرده اند و اعلام داشتند همچنان خواستار افزایش دستمزد، حقوق بازبینی و رسیدگی به وضع بهداشت خود می باشند.

آنها می گویند: قیمت ما ۴۰٪ بالا رفته حال آنکه دستمزدها فقط ۱۶٪ درصد افزایش داشته است. و آنها قادر به تامین ما بحتاج اولیه خود نیستند. و این امر بویژه در مورد بازبینی دستمزد به مراتب بدتر است.

معدنچیان استدلال میکنند که بخاطر شدت کار و طولانی بودن روز کار بیش از ۱۵۰۰ کارگری ۱۲ سال گذشته فریادی سرمایه داران شده اند و پیش از ۲۰ هزار نفر در هر سال دچار سوءاضمح مختلف می شوند که بسیاری از آنها به نقص عضودجاری شوند و بطور کلی بخاطر نوع کارشان همواره در خطر ابتلا به بیماریهای تنفسی فرار دارند کارگران معدن می گویند: هیئت تجدید قرارداد طرفدار کارفرماست. اس هیئت حسی اعصاب را از کارگران سلب و حقوق اساسی آنها را سلب و پیش محدود می نمایند سهمین دلیل آنها خواهان انحلال هیئت مذکور بوده است آنها هینتی را برای بررسی

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش

سراسر جهان



دولت باید و ام بدون بهره در اختیار کشاورزان قرار دهد

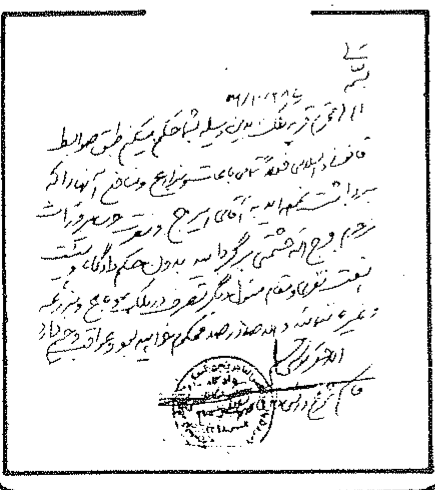
یکی از اهالی شهریار کرج نامه‌ای به مانوشته و در آن از نرخ و مصیبتی که بر روستاییان وارد میشود و از خساراتی که در اثر برطرف و سرمای ۱۲ هزار و دویست به باغهای اهالی آن روستا رسیده صحبت کرده و طی آن از ما خواسته است که فریاد اعتراضشان را به گوش همگان و دولت برسانیم و این خبر را در نشریه "کسار" درج کنیم در بخشی از این نامه میخوانیم "از شما تقاضا دارم که در روزنامه و یا اعلامیه‌های خود هر چه زود تر و سریعتر این موضوع را مطرح کنید و دولت را وادار کنید که حداقل به این مستعیدگان و اما می‌باید که آنها بتوانند زندگی امسال خود را در این زمان که هر روزها رنج زندگی بطور تصادفی با لامبرودتا میسر کنند."

ما با رها اعلام کرده‌ایم و با زهم اعلام میکنیم که دولت باید به آنها زمین بلکه کود، بذر، آب و ازمه‌های بدون بهره در اختیار کشاورزان قرار دهد، بعضی وارد کردن محصولات کشاورزی محصولات دهقانان ایران را بقیمتهای مناسب خریداری کند و در ازاء خسارات وارده به کشاورزان به آنها کمک کند. اما دولت در حالیکه تا اکنون میلیاردها تومان ثروت این مملکت را بحیثیت دلالان اسلحه سرازیر کرده است، در حالیکه میلیاردها تومان به جیب سرمایه‌داران داخلی و انحصارات جهانی ریخته است، در حالیکه میلیاردها تومان صرف مرکوب

موسی سلیم حاکم شرع میانها متحد با زمینداران علیه دهقانان

روستاییان رحمکن فرید ملک ار سواع میانها با اتحاد کسار رحه آگاهانه خویش در سال گذشته دست به مصادقانه زمینها و با غارت زمینداران و اربابان مفقور زنده و حاصل رنج سالان دراز خویش ویدرانسان را از آنها با ریسس گرفتند و میان خود تقسیم کردند. این روستاییان که در آغاز خیال میکردند حاکمیت مدعی حمایتار مستضعفان از این عمل انقلابی آنها حمایت خواهند کرد، ما واقعاً حراس بود آنها و قنی با حکم حاکم شرع و رئیس با صلاخ دادگاه انقلاب میانها مبنی بر دستور بازگرداندن ملک و باغ و مزرعه و غیره به زمینداران مواحه شدند این حقیقت را در بافتند که مستضعفان مورد حمایت رژیم، افرادی بجز همان فئودالها و اربابان نیستند. این زحمتکشان روستایی امروز در می‌بایند که تنها ما من واقعی پیروزی آنها اتحاد و یکپارچگی آنهاست که توسط آن حقوق خود را بدست آورده اند و تنها با حفظ همین اتحاد است که می‌توانند از حقوق خودیاداری کنند اینک عین حکم حاکم شرع و رئیس دادگاه: بسمه تعالی ۵۹۸۸۸۸ اهالی محترم قریه ملک بدینویله شما حکم می‌کنم طبق ضوابط قانونی و اسلامی فوراً تمامی باغات و مزارع و منافع آنها را که برداشت نموده اید به آقای آبرج و نصرت و سایر وراث مرحوم فرج الله حشمی برگردانید بدون حکم دادگاه و هیت هفت نفری و مقام مسئول دیگر تصرف در ملک و باغ و مزرعه و غیره ننمائید و الا صدور مد محکوم خواهد بود و عواقب وخیم دارد.

الاحقر موسی سلیم
حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی
میانها



توده‌های زحمتکش، دهقانان رکورد، ترکمن و... کرده است، هیچ گام اساسی در جهت بهبود شرایط زندگی کشاورزان بر نداشته است. دولتی که اینهمه از گسترش کشاورزی و حمایت از دهقانان دم‌میزند چرا اصلاً در فکر کشاورزان نیست؟ روشن است که این دولت از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ دفاع می‌کند، نه میخواند و نه میتواند بطور اساسی در جهت منافع دهقانان گام بردارد. ما روستاییان زحمتکش برای رسیدن به خواسته‌های خود باید مبارزه کنیم، روستاییان باید متحد و متشکل عمل کنند، آنها باید مانند رگزان با تشکیل شورا و مبارزات مدام خود دولت را مجبور کنند، که زمین به آنها بدهد، بذر و کود و آب در اختیار آنها قرار دهد. و امهای بدون بهره به آنها بپردازد و خسارات کشاورزان را جبران کند. ما اخبار رگزارشها و خواسته‌های دهقانان را در نشریه سازمان منمکن می‌کنیم، مردم را در جریان خواسته‌های روستاییان قرار میدهیم و صدای آنها را بگوش همه میرسانیم. اما روستاییان نیز باید به آنها کمک کنند و تنها با مبارزه متحد و منظم خود میتوانند خواسته‌های خود را بدست آورند. دهقانان باید بدانند که تنها هنگامیکه با کارگران متحد شده باشند میتوانند بطور واقعی به خواسته‌های برحق خود برسند.

همکاری پاسداران و مالکین در سرکوبی دهقانان

"اگر منظور بسیج مستضعفین است چرا مالکین در راس آن هستند؟" در پی فشارهای مداوم فئودالها و بسیجی‌ها و پاسداران به روستاییان گیونان، دهقانان به نظر هرات و اعتراضات بر علیه توطئه گران دست زدند. این حرکت دهقانان موجب آن شد که پاسداران عقب نشینی کرده و حتی مالکان مزبور را دستگیر کردند. اما هنوز پاسداران و افراد بسیج عشایری گه‌گاه به روستاهای اطراف حمله برده، به زور گوسفند و بول از دهقانان می‌گیرند. هراس سیاه پاسداران و مالکین از روستاییان زحمتکش تا بدان حد رسیده، که هرگونه رفت و آمد دهقانان را کنترل می‌کنند. این قبیل اقدامات با واگ ما با نه سرکوبگرانه رژیم، در اراده روستاییان خللی وارد نکرده، کماکان به مبارزات خود علیه ظلم و ستم مالکین و حامیان آنها ادامه می‌دهند.

مالکین در راس بسیج مستضعفین

روستای گیونان با ۸۰۰ نفر جمعیت از توابع بیلوا زکوما نشاه بوده و در مسیر جاده شوشه کامیاران به سفر کلیدی قرار دارد. دهقانان زحمتکش این روستا با یکار بستن تجربیات چند ساله خود در مبارزه با مالکین بزرگ، در آستانه‌ی قیام، علاوه بر ۳۲ جفت (حدود ۲۵۶ هکتار) زمین‌های قبلی خود، ۲۴ جفت (۱۹۲ هکتار) از زمین‌های مرغوب مالکین بزرگ را مصادره کردند. اقدامات انقلابی خوش‌بینان که با حمایت پیشمرگان قهرمان کرد همراه بود، مالکین را سخت به هراس انداخته و با حمایت سیاه پاسداران کامیاران به اذیت و آزار زحمتکشان می‌پردازند. دهقانان در برخورد با پاسدارانی که از زمینداران بزرگ حمایت می‌کنند می‌گویند:

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

السالوادور

نیمه از صفحه ۱۱

آن است که رشد جنبش انقلابی موجودیت کل سیستم سرمایه داری وابسته را در این کشور بحران زده آمریکای لاتین عملاً تهدید می کند. امپریالیستهای اروپایی سویژه آلمان غربی و نیز برخی دولت های ارتجاعی آمریکای مرکزی که مانوچه به نحاری چون گویا و نیگارا گوتیثا "رحی اختلاف طبقه ها با یکدیگر" حسابکار سراسر خود پیدا کرده اند، برای جلوگیری از سقوط حتمی شورای نظامی حاکم السالوادور مدعو با به تیرای پیدا کردن راه حلی "مسالمت آمیز" برای "مشکل" این کشور تلاش می کنند. تا سید حارب کسکهای تاریخی به آنها این درس را داده است که در صورت دخالت مستقیم آمریکا و خروج مسالمت السالوادور از چارچوب یک مسالمت داخلی و بی تاملی دیگر ایستادگی آمریکا لاتین متولد خواهد شد که نسل ارتکه امپریالیست آمریکا بتواند حتی شکل خفت تاریخی از آن نجابت بادین ویتنام حدسند سراسر آمریکا مرکزی را در زیر کمر آورد. از این رودر حالیکه خرده استفاده ای به سیاست فعلی آمریکا در سال دولت السالوادور از خود نشان می دهند، از سوی دیگر وظیفه به انحراف کشاندن جنبش و متوقف کردن آن به سازش را میان خود پیش می برند.

در حالیکه دولت مکزیک تماس های وسیعی را جهت راضی کردن نیروهای چپ برای سپس بای میز مذاکره با دارودسته شورای نظامی حاکم شروع کرده است، دولت ویرونلا هماهنگ با تلاشهای فوق به شورای مدکورونیوسه می کند تا با پذیرفتن اصل مذاکره با نیروهای غیرحزب شرکت کننده در جنبه ما را بوند ما رتی اردرون به جنبه انقلاب فشار آورد. البته این تلاشها از بینمای وسیع سوسیالیستهای نوع اروپایی و امپریالیستهای غربی سویژه و بلی برانت نیز برخوردار است. پس بیخود نیست که ژنرال کوتیوز - سوسیال دموکرات معاون شورای نظامی حاکم ماه پیش صورت مذاکره مستقیم با انقلابیون را مطرح ساخت. آنچه در اینجا قابل تأمل است آنکه بیستها دولتهای مدکورقیل از هرچیز از این حقیقت ناشی می شود که رژیم تا کنون نتوانسته و اکنون نیز نمی تواند با اقدام صرفاً " نظامی از عهده سرکوب جنبش نوظهور خلق برآید و حداقل برای تجدیدنفس هم که شده باید فرصتی برای خود دست و پا کند. البته در صورتیکه جنبش این فرصت را در اختیار او قرار ندهد از این بابت بانکهای جهت کمک هرچه بیشتر و فعالتر استفاده خواهد کرد. بنابراین این متحد مسلم است انقلاب السالوادور بجای آنکه سدین سوطه های با مصالح مسالمت آمیزین دردها بد خود را برای

ویران کردن خانه های زحمتکشان تبریز، گوشه ای دیگر از اعمال ضد خلقی جمهوری اسلامی

زندگی خود مسلغاً با حسی دست آورده و با صدها مشکل و موانع، ممالک خستمانی تهیه کرده و حس روی خست فرا دادند تا برای رن و فرزند محروم خود آلونک محقری بنا سازند. از بدست های رژیم جمهوری اسلامی فوراً ارزاد رسیده و سکونه، ظالمانه ای این کلمه های محقر را که محصول سائهارنج و رحمت آسان است، بر سران ویران میکنند. رژیم جمهوری اسلامی بی وقفه در حرف خود را مدافع حقوق مستضعفان و نجات دهنده، ستمدیدگان عالم و انصاف مداران و مدافع آزادی و انقلاب به سران و رهبران دم میزند اما در عمل زوری نیست که کارگران و کشاورزان و حاشیه نشینان میهن ما بدست یا سداران سرمایه مود سرکوب قرار بگیرند! آیا واقعا "ساحال دیده و با سیده شده است که رژیم جمهوری اسلامی و بلاها، آبارتمانها، و کاجهای سرمایه داران و بولد ارها را سرشان ویران کنند؟

سعد از ظهر چهارشنبه دوم اردیبهست عمال رژیم جمهوری اسلامی در حدود ۳۵-۴۰ نفر را در "محور آباد" سرسرا دلائل مصحکی چون عضویت در لیست سرسرا همگان این منطقه جرات کردند. یا سداران سر اسخریب دستور احیاط و اطامها با اهالی محبور آید کفشدننا فردا صبح در اردو سابل خود را برداشته و اینجا را ترک کنند. هنوز دو هفته از سرخرب این خانهها نگذشته بود که ایستار جمهوری اسلامی در هفدهم اردیبهست ماه آلونکهای محله "سنا موای" سلاب با ره در سرسرا را بولد و رهای سپرداری با حشاک یکسان کرد. در این راسته رفقای مادر تبریز اعلامیه ای منتشر کرده اند که در زیر بخش: "آران را می آورم؛ مردم رجمشکس میهن ما که با خون دل و عری حسی و با سامل هرا ران فشار و حفارت و با فرسوس ضروری سرین و سابل

خراج معلمین فیروزکوه به اتهام داشتن "خط صمد"

اسلامی نمی جوید "و مینای قضاوت خود را کز آرات مدیر مدرسه (که در رژیم قبلی در این ساط با ساواک بوده) و مسئولان مور تربیتی (بخوان) جا سوس مدرسه) ذکر می کند روز بعد حکم معلم مبارز دیگری نیز به همین دلیل تعلیق شده و بعد از چند روز معلم اخراج می شوند. اخراج این معلمین آگاه و مبارز، ادا مه سیاست سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی در مقابل با انقلابیون است. این اخراج ادا مه ای است بر کارنامه دو ساله رژیم که جزکشار، سرکوب حقان و... جیمز دیگری در بر نداشته است. این اخراج نشان می دهد که با به های رژیم جمهوری اسلامی برجهل و نا آگاهی استوار بوده، تا جائیکه از یاد آوری نام و آشکار انقلابیونی مانند معلم کبیر صمد بهره گیری به هراس می افتند.

سرس و وحش جاکمیت صدا انقلابی جمهوری اسلامی از سدا آگاهی بوده است، با رد دیگر موجد اخراج دونی از معلمین مبارز در فیروزکوه شد. در تاریخ اول اردیبهست، رئیس آموزش و پرورش فیروزکوه به مدرسه پیام روستای ظارس آمده و بعد از یاره کردن عکسهای صمد و روزنامه دیواری صمد بهرنگی و شریعتی که بوسله دانش آموزان تهیه و به دیوارهای مدرسه نصب شده بود حکم یکی از معلمین مبارز مدرسه را به حال تعلیق در آورد. این عمل صمد دموکراتیک و وقیحانه با اعتراضات دانش آموزان مواجه شد ولی رئیس آموزش و پرورش به اعتراضات دانش آموزان اعتنائی نگردید و فقط در جواب اعتراض معلم مزبور می گوید: "شما به علت داشتن خط صمد به دردمعلمی در کشور

ادامه جنگ در از مدت و دشوار رتوده ای - تقویت کند. تداومی که بی شک در کسرو تصفیه صف انقلابی از نیروهای متزلزل - و سازشکار خواهد بود. چپ انقلابی السالوادور اکنون باید هوشیارانه سیاستها و تاکتیکهای سازشکارانه لیبرالها را در برابر خلق افشا کنند زیرا این نیروهای سازشکار برای آنکه نظرات خود را بر جنبش تحمیل کنند، وحشت زده، از امکان دخالت آمریکا برای مردم دم می زنند گوئی آمریکا همین الان موضع عدم دخالت دارد. در هرحال باید خلق را حتی برای مقاومت و پایداری در مقابل هرگونه دخالت تجاوزکارانه مستقیم یا نکی هسا و

ارتشیهای مردود دولتهای دستخشاندهاش مانند ارتش هندوراس، گواتمالا، شیلی، کاردینالی ما ده سوموزا، آموزش داد و آماده کرد. چه کسی می تواند سیر و به نژاد کمکهای نسلبانی و تخصصی آمریکا را به خونتای نظامی انکار کند؟ آیا پذیرفتن این کمکها از جانب خونتای جنایتکار دلیل آمادگی او برای پذیرش راه حل "صلح آمیز" است؟ هرگز! فاشیستهای حاکم به پشتوانه همین کمکها ماههاست راه حل نظامی را انتخاب کرده خلق السالوادور تحمیل کرده اند که این خلق برای برقراری صلحی متضمن مصالح و منافع خویش راهی جز جنگ مقاومت و نبرد را شیبش ندارد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

مردم ایران لایحه...

بعد از متحد...
 یکم لایحه فضا را مسکوت نکند و رسد
 (سردم ۱۲۷ ردیه است) اما به خاطر
 آنکه این لایحه صحتی و اعتباری
 است تا که در آنجا که "طرح لایحه فضا"
 در عمل هر سودی لایحه فضا و معرفی شده
 صدا بغلات علیه جمهوری اسلامی تمام
 نمیشود! و جناح راست اکثریت هم
 معقد است که صورتی تنظیم کنندگان
 لایحه فضا صحت به تهدیدها و محرومان
 بوده ولی در اینکارشان موفق بوده اند!
 (کار اکثریت ۹۹-۱۶ سفید)

لیبرالها هم در این کارهای خود بنظر
 انقلاب اسلامی و میران تا جات اغلظه ها
 و اظهار نظرهای مخالفین لایحه...
 بآن موضع مخالف گرفته اند.
 همه با رویه های دموکراتیک کم و بیش به
 مخالفت با لایحه فضا سرخا شده و دست
 با فاکتوری زده اند که در این مسلمان
 فعالین افکارانه اتحاد دملی رسان
 حتم گردیده است. هم چنین جمعیت
 جوانان، لیبرالها با اخبار، با اسباب
 جروه ای توضیحی و افکارانه در باره
 لایحه فضا مخالفت خود را با این لایحه
 سرخا "برارداست. فضا دادگاههای
 دادگستری، وکلا و اسناد و حقوقی
 استوار ساخته ها می مخالفت خود را با
 لایحه فضا اعلام کرده و دنبال آن موج
 اعتراضات و تبلیغات تا شنیدی فضا
 نسبت به حرکت حقوقدانان میلی سر
 مخالفت با لایحه، به مطبوعات سرازیر
 شده است که همین امر من از همه موجب
 نگرانی سیاسی و شورایی فضا شده
 است. در این اقلیمهای مذهبی موحی
 از نگرانیها و مخالفت ها شروع شده
 و اقداماتی هم در سطح جامعه به مقاصد
 از تبلیغات و اختراعات علامیه ها
 انجام گرفته است. همه اینها نشان
 میدهد که زمینه یک اعتراض وسیع و همه
 جانبه و سراسری در این باره وجود دارد.
 سایرین صوری که داده شد جمعیتی
 که میتوان دست داد چنین است:

- ۱- لایحه فضا ابتدائی ترین حقوق
 مردم سراسر را با خیال کرده و بیاعتناست
 از جایی است و بیعتن دلیل مردم بدید
 تا آن مخالفت.
- ۲- خاکمیت و سراسر حزب جمهوری اسلامی
 در این باره در حالت تدافعی بوده و از
 او چیزی اعتراضات مردم بدید و همه
 دارند.
- ۳- اعتراضات علیه این لایحه هم در سطح
 توده ای و هم در سطح نیروهای انقلابی و
 دموکرات جامعه خود بوده و زمینه گسترش این
 اعتراضات بخوبی نمایان است.
 با توجه با این اوضاع و احوال وظیفه
 سازمانهای سیاسی و دموکراتیک بسیار
 خطرات هر چند بنظر ما مقابله با این
 لایحه ضد مردمی و وظیفه هر نیروی انقلابی و

مواسم چهلم "صنم قریشی" در بند عباس به خون کشیده شد!

مورجون صنم قریشی دحرم ساری
 که هنگام فرود آمدن محاصره بند
 بند عباس به رگبار رسیدند، سرکشت
 حسابان حک شده بود که در ریم خمیسوری
 اسلامی حیاتی باره آفریده و مردم
 رخنه داده و ستمگس اسن پیرا را دما می
 دیکر ساند.

روزی چهلم صنم قریشی دهم اردیبهشت
 مردم بند عباس بنحتم مسکوت بند
 بند رها جهت برگردان اسن دحس
 سار از اجساد کشیده، عاقل آرا سیکه
 مردوران ریم الخراف بنیت رها راه
 محاصره خود در آورده بودند. در هنگام ورود
 بدیست رها ساری که لباس شخصی به
 اس کرده بود مانع ورود جوانی سنام
 مصور را با سی مسود و سعی مسکوت
 بلاکاردی را که در دست داشت آرا و سیکه
 اما موفق نمی شود و کار بند در گری مسکوت
 و با سار مبرور و سعی مقاومت آنس
 داس آ مورمار را سی سیدنا سلیک حید
 کلوندا و زان سیدنا سار ساند. مردم که
 آرا بنیهد حیات کا سحران لبر ستر
 شده بود پس آردن اسن سطر سانه
 تا سار مبرور حید مسکوت که در همین وقت
 با ساران و سعی های مردور و سولودار
 تا حوت و حمانی و اسلحه سجان مردم میبایند
 و تعداد زیادی آرا سار را محروم و مصروف
 مسکوت و بدین ترتیب سار دیکری سار
 حیات حوس می آفراسند.

سکوت در سار این حیات سار و
 سرکوب خانیکی خواهد بود که در تاریخ به
 ثبت خواهد شد و سار ساری که در
 مناظره های تلویزیونی می میکنند با تصور
 و اسمود کنند که فقط صدا انقلابی ها مسکوت
 در این کشور معنان و سرکوب هستند سطر سار
 میخواهند سربوسی بر چهره سرکوب کراسد
 جمهوری اسلامی سکوت در سار ساند
 بداند که خلق میبمان هرگز این حیاتها
 را نخواهند حسد.

در رابطه با سیدنا این ما هدیه
 هواداران مادر سید عباس اعلامیه های
 داده اند و من محکوم نمودن این حیات
 می آفراسند: "سود و اتحاد ما ره را
 حان می بخند و اعتراضات کسیده ما سار
 علیه سرکوب، و احیاناً و کشتار سداوم
 بخش انقلاب سرخ و حوسن بهمین خواهد
 بود که این قدرت جزیدگان نوپا سعی
 در نابودی و احراف آن را دارند. سار
 همسگی و اتحاد صف انقلاب را فشرده تر
 ساریم و سار ره سدا میرا لیستی -
 دموکراتیک حلقهای میبمان را به پیش
 سربم."

تصحیح و توضیح

در کار شماره ۱۱۰ در بخش سیدای اردیبهشت
 ماه سازمان، اسناها نام فرزاد دادا گسر
 در رمره سیدای سازمان دکر شده است که
 بدین وسیله تصحیح میگردد.

از حمله نیروهای ساکراسی و حسی
 است ولی واقعیت است که اسن سار و
 مسوا سدا حمان فاطمی بد سار
 تا اسن لایحه سار رسد، ندا و لیست ما
 سار و های انقلابی دوحدان مسسود.
 در اسن رابطه علاوه سار ما سنا سار
 سرکا سوبهای دیکر اسک اسک سار
 سنا سار ما سنا سنا سنا سنا سنا
 اسنا سار و اسنا سار علیه اسن لایحه
 دست رسد. لایحه که همه اسار و طفا
 اسر سکلتهای کارگری گرفته اسر و
 روسفکری، سار ما سنا سار، داس
 آموران و داس حوسان، اقلیمهای مذهبی
 سار ما سنا سار حوقی، معلمان، کار سندان
 سربکان و سربساران و اسنادا ردا سکاها
 و... همه و همه در اسن کارزار اسرا سی
 سرکوت کشید. تا سنا سار ما سنا سار
 و مردم آرا دخواه و سربساری خواه چه سار
 حواس کشید ای اسرا سی خود را علیه
 اسن قانون صد ساری که متعلق دوران
 فصلهای اسن و مقدمه ای برای بدین
 فوانسی آرا سار رمره اسن ساند کنند.
 در اسن رابطه داس حوسان اسرا سی سربس
 خارج آرا سار و سید سکنسی بلعه ده اسه
 و ضروری اسن که سنا سنا سنا سنا سنا
 و آکا هی دهنده، افکار عمومی سار و های
 سربساری خواه جهان را سنا سنا سنا
 جلب کرده و اسرا سی همه حاسه آرا سار
 دهند.

نیروهای انقلابی و دموکرات حاصد
 و سنا سنا سنا سنا خود را آرا حجاب و
 نحس اعلامیه در سطح وسیع شروع کرده و سنا
 کوشش بلاکارد در سربساری راه ها و سنا
 عمومی، کدا سنا سنا سنا سنا سنا
 افشارگری نسبت به ما سنا سنا لایحه،
 سرکوت در حجاب ها و مناظره های تلویزیونی
 کسرتن دهند. تا سنا سنا سنا سنا
 در محلتهای کار، کارخانه، اداره، مدرسه،
 سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 طرح این مسئله در سنا سنا سنا سنا
 کرد. با بد مردم را به خطر صوت حسی
 لوایحی آگاه ساخت. با سنا سنا سنا
 طرح و تصویب چنین لوایحی که سربساری
 مذهبی طرح ریزی شده هد سنا سنا سنا
 حاصه برای اعمال حوسها، کسار و
 قطع وضع مردم اسن. با سنا سنا سنا
 که چنین لوایحی میخواستند سنا سنا
 سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 مردم محازا سنا سنا سنا سنا سنا
 قطع دست و پا و کسنا در مطالعه عام اسن،
 مردم سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 و همه حاسه مسوا سنا سنا سنا سنا
 عقب سنی کشید. و سنا سنا سنا سنا
 تا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 در جهت همکار سنا و همسنگی ها و اسناد،
 عمل ها تا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 اسنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 کسرتن سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 که سربساری سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 تا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 اسنادی سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 اسنادی سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 به دوران سربساری و سنا سنا سنا سنا
 به سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

وزارت کار:

اجرای طبقه بندی مشاغل پس از تسخیر شوراهای

مدتهاست که افزایش دستمزد به عنوان یکی از خواسته های اصلی کارگران مطرح بوده و به اشکال و راههای گوناگون مبارزه برای کسب آن به پیش میرود. از جمله مبارزه برای اجرای طبقه بندی مشاغل یکی از مواردی است که کارگران از آن طریق، افزایش دستمزدهای خود را مورد نظر داشته و بین از قیام خود اقدام به ارائه و اجرای طرحهایی در این رابطه کرده بودند. اما از اوائل سال گذشته، وزارت کار که این طرح را مخالف منافع سرمایه داران می داند از اجرای آنها جلوگیری کرده و وعده داد که یک طرح عادلانه و سراسری را تهیه خواهد کرد. اکنون که وارد سومین ماه این سال شده ایم هنوز اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه ها خبری نیست. وزیر کار و امور اجتماعی که بارها در سخنان خود اعلام نموده بود که از اوائل سال جدید این طرح با صلاح عادلانه اجرا خواهد نمود تاکنون حتی نامی نیز از آن نکرده است. وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر وعده هایش میبایست بین از عید شروع به اجرای این طرح در کارخانجات میگردان زترین رود روشی بنا شوراها، انقلابی کارگران، امنیت طرح را مسکوت گذاشته. و میخواهد اول تکلیف شوراها را بکسره کند. بدسترنیب این روزها آید و وزارت کار در کارخانجات بسیاری حضور یافته و تحت عنوان "قانونی کردن شوراها" قریباً راه فمدمی محتسوا کردن آنها را دارند. آری وزارت کار خوب میدانند اگر شوراها ای مدافع منافع کارگران از بین نروند نمیتوان طرح طبقه بندی مشاغل را همچون سایر قوانین فدکا رگری دیگر به اجرا در آورد.

برای اینکه به ماهیت حرکت وزارت کار در این رابطه بهتری سریم لازم است مختصری به موضوع بررسیهای این ارگان تاکنون بپردازیم. نگاهی گذرا به حرکات این وزارتخانه در قبال طرح طبقه بندی مشاغل تا به امروز بخوبی نشان میدهد که جزدفاع از منافع سرمایه داران و اقدام بر علیه کارگران حرکتی صورت نگرفته است. از همین رو، میشد از قبل حدس زد که آنها طرح طبقه بندی سراسری خود را برخلاف وعده هایی که میدهند تا زمانی که شوراها یا کارخانجات را در اختیار نگیرند اجرا نخواهند کرد.

برای وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی پیش از آنکه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مطرح بوده باشد، جلوگیری از مبارزات حق طلبانه کارگران در این رابطه اهمیت داشت. کارگرانیکه در تبریز و تهران و گیلان... خود اقدام به ارائه طرحهای مناسبی کرده بودند، طرح هائیکه نهایتاً میلی بردستمزدها آنها بعنوان جزئی از حق مسلمشان اضافه

میکرد. بدسترنیب وزارت کار ابتدای امر فریبکارانه، با وعده و وعید مانع اجرای طرحهای کارگران در کارخانه ها گردید و وقتی در این امر موفق شد وعده های خود را فراموش نموده و ما هیست حرکتش را نشان داد و مشخص شد که بیش از هر چیزی، از حرکت مستقل کارگران در این زمینه وحشت داشتند. به وعده های معاون وزارت کار (بهمن ذوالفقار پور) که در یک کنفرانس مطبوعاتی در سال گذشته ارائه شد توجه کنید:

"بر اساس اجرای این طرح موضوع عدالت در پرداخت دستمزد، رفع تبعیض نسبت به ارتقاء، تطبیق متوسط معیشت با دستمزدها شرایط انسانی و عادلانه محیط کار مورد توجه خواهند بود. در این طرح که بزودی به مرحله اجرا در خواهد آمد کارگر در مقابل کار به حق عادلانه خود می رسد...". اما چند ماه بعد پس از آنکه عملاً موفق شدند جلوی اجرای این طرح ها را در کارخانجات مختلف که عمدتاً توسط شوراها، انقلابی پیاده میسند بگیرند، میر محمد صادقی وزیر کار در بحثنامه شماره ۷۵۲۶۸ بتاریخ ۱۴/۱۰/۵۹ میگوید: "با توجه به اینکه تهیه و اجرای طرحهای طبقه بندی مشاغل هیچگونه ملازمتی با افزایش دستمزد ندارد...".

"همچنین مشاهده میشود که تعیین چارچوب عادلانه طبقه بندی مشاغل را کارگران در گروگون جلوه داده و میتوانند افزایش دستمزد القا نمایند. عجیباً در عرض چند ماه طرح طبقه بندی مشاغل که مسخوست "عدالت در پرداخت دستمزدها" را اجرا نماید و دستمزد را با "متوسط معیشت" تطبیق دهد به طرحی تبدیل میشود که هیچگونه "ملازمتی با افزایش دستمزد ندارد!!" وزارت کار ابتدا برای اینکه بتوانند جلوی مبارزات کارگران را در ارائه و اجرای این طرح بگیرند وعده طرحی عادلانه برای افزایش دستمزدها را میدهند اما وقتی به هدفش میرسد میگوید این طرح هیچ ربطی به افزایش دستمزد ندارد. باید از آقایان پرسید طرح مورد نظر شما چگونه میخواست "عدالت در پرداخت دستمزدها" را برقرار نماید بطوریکه از "افزایش دستمزد" کارگران خبری نباشد؟ چگونه میخواهد دستمزد را با "متوسط معیشت" تطبیق دهد که "ملازمتی با افزایش دستمزدها" نداشته باشد؟ در حالیکه تورم و گرانی پیدا میکند و کمبود کالاهای مورد نیاز، فقر و بیخانمانی کمرا کارگران و زحمتکشان را شگسته است! اینست مفهوم "عدالت در رژیم جمهوری اسلامی". تنها در یک صورت سخنان وزارت کار در هر تاریخ صحیح و صادقانه خواهد بود و آن اینکه دستمزد کنونی کارگران بیشتر از حق آنها و بیشتر از هزینه متوسط

معیشت آنها باشد. تنها در این صورت است که عدالت در پرداخت دستمزدها هیچ ملازمتی با افزایش دستمزد، کارگران نخواهد داشت، زیرا باید میلی نیز از دستمزد کنونی کارگران کاسته شود! از وزیر کار میر محمد صادقی دروغ میگوید. طرح طبقه بندی مشاغل اساساً برای تعیین میزان دستمزدهاست. طرحی است که دستمزد کارگران را بر اساس ضوابط مختلف از جمله تجربه، سختی کار و غیره، با توجه به نرخ تورم موجود در جامعه تعیین میکند، و حتی اجرای نیم بند آن نیز باید دستمزد کارگران را افزایش دهد.

وقتی که به تمام این موارد، آزمایش مخفیانه طرح با صلاح عادلانه وزارت کار در ۲۰ کارخانه نیز اضافه کنیم دیگر بخوبی روشن میشود که تصد آنها فقط و فقط جلوگیری از اجرای طرحهای کارگران برای طبقه بندی مشاغل بوده است و همچنین ارائه طرحی که بیشترین سودآوری را برای اقتصاد بحران زده کنونی داشته باشد. و به همین دلیل است که پس از مدتها بوق و کرنا که بعد از عید طرح جدید را به اجرا خواهند آورد اکنون پیش از آغاز اجرای آن، حمله به شوراها کارخانه را شروع کرده اند، تا شوراها را از ارگانی برای پیشبرد مبارزات کارگران به ارگانی برای سد کردن این مبارزات تبدیل نموده و بخیال خود تمام ضوابط فد کارگری اش را بطور قانونی پیاده نماید.

اکنون دیگر زمان وعده های وزارت کار هم بسر رسیده است. کارگران نباید اجازه دهند که اجرای این طرح از هم به تاخیر بیفتد. همانطور که در این مدت اجرای طرح طبقه بندی، یکی از خواسته های مبارزاتی کارگران بوده، اکنون باید پیش از هر زمان دیگری عمل مستقیم انقلابی اقدام نمود. وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد طرحی برای طبقه بندی مشاغل ارائه دهد که منافع سرمایه داران را در برداشته باشد و به همین دلیل است که تسخیر شوراها را در دستور کار قرار داده است. کارگران نباید اجازه دهند که ابتدا شوراها را تحت عنوان "قانونی کردن" از بین ببرند و آنگاه اجرای طبقه بندی مشاغل را آغاز نمایند.

متحد و یکپارچه باید از هم اکتسبون وزارت کار را محبور به اجرای این طرح نمایند. شوراها تیکه نمایندگان واقعی کارگران هستند باید پیشقدم این مبارزه باشند. کارگران پیشرو کارخانه ها موظفند ضمن ایفای مابندی وزارت کار در رابطه با طبقه بندی مشاغل، زمینه را برای اجرای هر چه کارگری تر این طرح آماده کنند.

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد

شوراها و سیاست سرکوب رژیم جمهوری اسلامی

درسی واجی سیاسی مبارزات کارگری در ماه های بهمن و اسفند، و تا توانی رژیم جمهوری اسلامی از با سخکونی به خواستهای کارگران، رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با مبارزات کارگری سیاست سرکوب را بسجود کرده و سازمان یافته ای در بیشتر گرفته است. از آنجا که رشد مبارزات کارگری، لزوم همبستگی و اتحاد کارگران و ایجاد و حفظ تشکیلات مستقل کارگری را در پی دارد و کارگران در پی تجارت مبارزات خود هر چه بیشتر به لزوم وحدت و تشکیلات برای پیشبرد مبارزات خود پی میبرند، تلاش برای ایجاد شوراها یا نقلابی را شدت بخشیده اند. از آغاز سال بودرا اغلب کارخانجات کارگران برای حفظ و تشکیل شوراها کارخانه مبارزه گسترده ای راه پیش میبرند، اما در مقابل رژیم جمهوری اسلامی با برنامه ای تنظیم و سازمان یافته، موج نویینی از آنها جمبسه شوراها یا کارخانه، بیگر دو سرکوب نمایند - کان واقعی کارگران پیشرو و انقلابی را - آغاز نموده است.

ساخت دقیق ارزشه عملگر دو حکومتی بر خورد رژیم جمهوری اسلامی به شوراها، به کارگران کمک میکند تا با اتخاذ تکتیک های مناسب و سازماندهی مقاومت و دفاع فعال از دستاوردهای دموکراتیک توده ها در برابر سرکوب لجام کسخته پاداری - کنند. با توجه به این مسئله که این موج - تنها هم سازمان یافته و برنامه است، اگر مقاومت و دفاع فعال در برابر این موج سازمان یافته نشود، دستاوردهای موفقیت چندان بی برخورد را از دست خواهد داد. رژیم جمهوری اسلامی همزمان با یورش به شوراها یا نقلابی دست به فعالیت گسترده سازماندهی در درون طبقه کارگر زد. این سازماندهی از طریق انجمنهای اسلامی، تشکیل شوراها یا فرمایشی و گسترش اتحادیه های شوراها یا فرمایشی صورت گرفته. در آن دوره، در کنار سرکوب شوراها یا نقلابی، رژیم جمهوری اسلامی با ایجاد تشکیلاتی زرد فرمایشی، برای مدتی کارگران را فریبید، اما در شرایط کنونی از آنجایی که کارگران اعتماد خود را هر چه بیشتر به این تشکیلاتی فرمایشی از دست میدهند و این تشکیلاتی قادر به کنترل مبارزات کارگری نیستند و به لحاظ اینکه رژیم جمهوری اسلامی همپایگاه نموده ای - خود را در میان کارگران به میزان زیادی از دست داده است، ناچار به سیاست سرکوب حربه بیشتر روی آورده است. در چند ماه گذشته، رژیم با ایجاد انجمن اسلامی و حمایت فعال و اراد کاروان است شورای مرکزی گروه صنعتی کفش ملی را متلاسی کید و حدود ۴۰ شعرا از نمایندگان کارگران و کارگران پیشرو و انقلابی را دستگیر - اخراج و زندانی نماد. در کارخانه - را ما دبیری مبارزات کارگران برای

در یافت سود ویژه، رژیم جمهوری اسلامی اعضا شورای ایدیا تور را دستگیر و روانه زندان میکند. در کارخانه ساوالوکس در پی مبارزه کارگران، با یورش سپاه و همکاران دستان انقلاب اعضای شورا را دستگیر و زندان میندازد. در کارخانجات دیگر که کارگران برای تشکیل شوراها تلاش میکنند وزارت کار رژیم با حمایت فعال انجمنهای اسلامی مانع ایجاد تشکیلات مستقل کارگران میگردد. آنها میگویند: "کارگران حق برگزاری - انتخابات شورا را ندارند. ابتدا باید - کا نندی ای خود را به وزارت کار، سپاه و دستانای معرفی کنند تا هیئت موسس متشکل از نماینده سپاه و وزارت کار و... کا نندی ای مناسب را تعیین کند و سپس حضور هیئت موسس انتخابات برگزار شود." (نقل از بحثنامه وزارت کار در کارخانه کلاچ)

حال با دید هیئت موسس چگونه انتخاب میشود؟ در آئین نامه انتخابات که در - مردادماه ۵۹ توسط شورای عالی کار به تصویب رسیده است منویستد اعضای هیئت موسس باید "موردا عنما دو معتقد به جمهوری اسلامی ایران و موردنا شهیده در صد کارکنان واحد مربوطه باشند." و از آنجا که ماده ۵ همین آئین نامه میگوید: "بررسی شرایط داوطلبان و تطبیق آنها با قانون تعیین شده نماینده واحد کاروان را محتما عی و سا همکاران هیئت موسس خواهد بود. در - واقعیت امر معنی تمام این شلای و کوشش وزارت کار و انجمن اسلامی و سایر ارگانها این خواهد بود که نمایندگان شورائسه منتخب کلیه کارکنان بلکه منتخب ده در صد کارکنان می باید. سرمداران رژیم جمهوری اسلامی میخواهند شوراها یا ایجاد کنند که بصورت زائده وزارت کار و مدیران دولتی و حافظ منافع سرما به داران باشند. شوراها یا بی که نمایندگان آنها با زور و تقلب و خفقان حاکم در کارخانه ها و سا حمایت بیدریغ انجمن اسلامی انتخابات شوند. شوراها یا بی که با تمام قوا بکوشند در جارجوب قوانین صد کارگری حرکت کنند و مبارزه کارگران را مهار زنند و نمایندگان اینگونه شوراها یا بی که کنترل و نظارت بر کارمندان و سرما به داران، اعمال و حرکات کارگران را زیر نظر داشته باشند. نمایندگان بی که بی اهدایت مبارزات کارگران به کنترل مبارزات کارگران، همت گمارند. اما، کارگران به این سوه ها تسلیم نمیشوند و به مبارزه و تلاش مستمر و بیگبر خویش برای تشکیلات شوراها یا نقلابی ادامه میدهند. در کارخانه - نجاب یارس الکتریک مدتهاست که وزارت کار با بهره گیری از انجمن اسلامی در صدد ایجاد شورای مورد نظر خویش است، اما کارگران بی که نمایندگان وزارت کار را از کارخانه بیرون کردند و بار دوم سا

اکثریت آراء، طرح وزارت کار را مردود - اعلام نمودند. در کارخانه کلاچ در فروپس در مقابل طرح وزارت کار، کارگران دست به اعتراض گسترده ای زدند. در کارخانه دنبا کستر طرحی را که وزارت کار اعلام - نموده بود و بر مبنای آن میبایست نمایندگان شوراها یا نقلابی را به سپاه یا سداران، خانه کارگران و کاروان شوراها یا نقلابی بر انتخابات نظارت کند، این طرح - مخالفت و اعتراض گسترده کارگران مواجه شده است. کارگران و شوراها یا کارخانه سوتان در مقابل آئین نامه وزارت کار به مقابله برخاستند و تن به اجرای آن - ندادند. در کارخانه جم انجمن اسلامی مسئله دخالت یک نماینده از وزارت کار را برای نظارت بر انتخابات مطرح میکند و اعضا انجمن به قصد جمع کردن امضاء به میا کارگران میروند که در مجموع توانستند ۲ یا ۸ امضاء جمع کنند. اما از سوی دیگر رژیم از شوراها یا بی که نمایندگان آن تحت فرمان وزارت کار و انجمن اسلامی عمل میکنند، حمایت بیدریغ میکند. حمایت وزارت کار و انجمن اسلامی از نمایندگان شوراها یا نقلابی و گروه صنعتی سلا از این نمونه است. در مقابل کارگران به مبارزاتشان برای خلع ید از این نمایندگان به تلاش پیگیر و مستمر ادامه میدهند. سیاست کنونی رژیم جمهوری اسلامی را در بر خورد به شوراها یا بصورت میتوان جمع بندی کرد: ۱ - سرکوب و متلاسی کردن - شوراها یا نقلابی، همراه با دستگیری و اخراج نمایندگان آن و کارگران پیشرو و انقلابی. ۲ - حمایت بیدریغ از نمایندگان شوراها یا بی که بطور کامل در جارجوب فرامین وزارت کار عمل میکنند و محصری اراده انجمنهای اسلامی می باشد. ۳ - عدم تحمل شوراها یا بی بیانی، و کوشش برای تشکیل شوراها یا فرمایشی با صدور آئین نامه ها و همکاری انجمن اسلامی و سپاه - یا سداران و سایر ارگانهای سرکوب.

رژیم جمهوری اسلامی در کدام

پوشش این سیاست را به پیش میبرد؟ اینک که رژیم جمهوری اسلامی به پیش عظیمی از پایگاه توده ای خود را در میان کارگران از دست داده است و از آنجا که شوراها یا این دستاورد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان به گونه ای عینی به شعارتوده ها مبدل شده است، عمیق و پیچید و زمینه بیدریغ این شعار در میان توده - کارگران و زحمتکشان موند این نظراست، و به لحاظ اینکه حاکمیت برای این شعار در بین کارگران و زحمتکشان تا توان است و تسخیر برای اینکه بتوانند رشد یافته در صفحه ۱۸

رهبری طبقه کارگرمضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

شوراها و سیاست ...

شماره ۱۲ صفحه ۱۷

سازمان بوده کارگران را که در پی خود به اتحاد و احاطه تشکلهای پرزمنده و مستقل شورای منجر شود، اندکند، بهتری بینند که اردوون کار آنها را یکسره کرده اند. درست به همین دلیل است که حاکمیت با پذیرش این شعار و در پیوشش قانونی کردن شوراها، سیاستش را به پیش میبرد. اما سیستم منظور از قانونی کردن شوراها چیست؟ منظور از قانونی کردن شوراها یعنی زیر کنترل در آوردن شوراها در چارچوب پذیرش قوانین سرمایه داری و آئین نامه های وزارت نیرو و بخشنامه های مدیران قانونی کردن شوراها از دیدگاه رژیم یعنی شوراها به ضوابطی تن در دهند که فقط منافع سرمایه داران و دولت حامی آنان را تامین کند. آنها با تشکیل چنین شوراها می خواهند کارگران را در مقابل شوراها قرار دهند و خود را از تیررس حملات آنها دور نگه دارند. وظایف این چنین و امید کنند که "نمایندگان خودتان جنبش نمویب کرده اند"، تا از این طریق سرمایه داران در امان بمانند و شوراها از مضمون مبارزاتی تهی گردند. آنها میکوشند شوراها را که رخنه را از مضمون توده ای و همگانی اش تهی ساخته و آنرا بصورت یک جریان فرمایشی و ابزار دست مدیران و وزارت کار تبدیل کنند و برای انجام این سیاست ضدکارگری، هر جا که شوراها یا نقلاسی نهادیت مبارزات کارگران را در دست دارند آنها را به بهانه برگزاری انتخابات مجدد برای کناره زدن نمایندگان واقعی کارگران وارد عمل میشوند و با ایجاد دو اغتشاش و درگیری، زمینه و توجیهی برای وزارت کار روسیست دستگیری نمایندگان شوراها و کارگران پیشرو و انقلابی ایجاد میکنند. و نیز بر تلاش خود برای تثبیت شوراها غیرمیشی می افزایند. اما مبارزات کارگران از قیام تا کنون نشان میدهد که شوراها را که رخنه که کنون مبارزات گرانها بیرون بر علیه قوانین سرمایه داری و آئین نامه های وزارت نیرو و ... انجام داده اند، نقش موثر شوراها در کنترل و مانده کارخانه ها، اقدام به راه اندازی واحدهای تولیدی، اخراج عوامل سرمایه داری و ایجاد شرایط بهتر رفاهی برای کارگران و ... از دستاورد های مبارزات شوراهاست.

کارگران اینک دریافته اند که تنها با سازماندهی تشکلهای پرزمنده ای چون شوراها قادر خواهند بود منافع آنرا اهداف دراز مدت طبقه کارگران را تامین کنند. زیرا مبارزات شوراها در گسترش خود، نظام سرمایه داری را به مخاطره می اندازد و در راستای نیفری سرمایه عمل میکند. و از سوی دیگر شوراها را که رخنه شکل مستقل کارکنان یک واحد است و نتیجتاً دارای مضمون توده ای و همگانی است و نمایندگان آن با اکثریت آراء کارکنان هر موسسه و واحد انتخاب میشوند. نه اینکه وزارت کار و انجمن اسلامی نمایندگان مورد نظر و در دوره خود را به کارگران تحمیل نمایند.

وظایف کارگران پیشرو و انقلابی

کارگران پیشرو و انقلابی باید در بسرد امر مبارزه به شکل های توده ای کارگران - به ویژه شوراها را که رخنه منکی بوده و در جهت ارتقاء آگاهیه کارگران و انسجام تشکلهای پرزمنده کارگران کام بردارند.

با دفاع فعال از این سنگرمبارزه، هر کارخانه را به دژی مستحکم در برابر تهاوت و توکراتش بدل کنند. در انجام این امر کارگران پیشرو باید در شرایط کنونی وظایف ذیل را بر دوش گیرند:

- ۱ - مضمون مبارزاتی شوراها را هر چه بیشتر برای توده کارگران توضیح دهند و از این طریق، پیوشش قانونی کردن شوراها را وسیله و رارت کارخانه ها تا کنون شوراها در چارچوب پذیرش قوانین سرمایه داری است برملا سازند.
- ۲ - مضمون و محتوای توده ای و همگانی بودن شوراها را برای توده کارگران - توضیح دهند. اینکه نمایندگان شوراها را می ستقیم و مخفی کارکنان تعیین شده و وسیله آنان نیز عزل خواهند و هیچ مقام مرجع دیگری حق ندارد برای کارکنان "نماینده ای" منصوب نماید و پیمانکنان کارگران را عزل نماید.
- ۳ - در هر کارخانه که شوراها یا نقلاسی امر هدایت مبارزات کارگران را در دست دارند باید به حمایت فعال از شوراها بر خاسته و با افشای و بسیج کارکنان علیه تمام ارکان آنها که بر علیه منافع کارگران و شوراها انقلابی عمل می کنند همت گمارند و به لزوم تشکیل مجامع عمومی مستمر برای افشای و طرد نیروهای ضدکارگرو سازشکار - با فشاری نمایند.
- ۴ - در هر کارخانه ای که شوراها یا فرمایشی حاکم اند و نمایندگان شورا همچون ابزار وزارت کار و انجمن های اسلامی عمل می کنند، با بسیج کارگران، خواهان توضیح عملکردهای نمایندگان شورا در مجامع عمومی گشته و از این طریق، ما هیت این نمایندگان را برای توده کارگران آشکار نمایند و سپس با اشکال متنوعی از توده کارگران بخوانند که این نمایندگان را خلع ید نمایند.
- ۵ - برای پیش بردار انتخابات در کارخانه ها، آنجا که شوراها یا نقلاسی مصدر کار هستند، اگر لزوم تجدید انتخابات برای کارگران مطرح شود، شورا موظف است با تشکیل مجمع عمومی، یک هیئت نظارت بر انتخابات را از میان کارگران برگزینند و امر انتخابات را به پیش ببرند. در غیر این صورت وقتی که شوراها یا نقلاسی مصدر کار نیستند کارگران پیشرو و انقلابی باید با بسیج کارگران در مجامع عمومی، با جمع آوری مضاء از قسمتهای مختلف کارخانه، هیئت نظارت بر انتخابات را از بینین کارکنان برگزینند و امر انتخابات را به انجام رسانند. کارگران پیشرو باید مسئله هیئت مؤسس وزارت کار را با توجه به ما هیت ضدکارگری آن در میان توده کارگران افشای نموده و راه را برای نفی آن هموار سازند.
- ۶ - تشکیل مجامع عمومی، بخشی از مبارزات کارگران در پیش بردار شوراهاست. باید با تشکیل مجامع عمومی تصمیمات پشت درهای بسته را افشای کنند و از آنجا شکسته نمایندگان شوراها را مورین اجرای تصمیمات واراده توده کارگران می باشند، با توضیح

اعتراض

کانون مستقل معلمان تهران

به بازداشت سعید سلطانپور

مقامات رژیم جمهوری اسلامی همچنان در برابر اعتراضات وسیع به بازداشت سعید سلطانپور، شاعر و هنرمند انقلابی و عضو هیئت رئیسه کانون نویسندگان ایران، سکوت اختیار کرده است.

این سکوت نشان می دهد که مقامات جمهوری اسلامی از یک سو بهیچوجه نمیتوانند این اقدام ضددمکراتیک خود را توجیه کنند و از سوی دیگر رسوائی را با تاج گذاری کنانده اند که بدترین توجهی به افکار عمومی ایران و جهان و اعتراضات توده های مردم ندارند.

در پی اعتراضاتی که تا کنون از سازمانها و گروههای سیاسی و دمکراتیک به بازداشت غیرقانونی سعید سلطانپور صورت گرفته است و ما آنرا در "کسار" منعکس کرده ایم، کانون مستقل معلمان تهران نیز طی اطلاعیه ای شدیداً به این اقدام ضددمکراتیک حکومت اعتراض کرده و خواستار آزادی سعید سلطانپور و یک معلم مبارز دیگر شده اند. متن این اطلاعیه بشرح زیر است:

"دستگیری معلم، نویسنده و هنرمند انقلابی، زندانی سیاسی رژیم دیکتاتوری شاه خائن، سعید سلطانپور - را که نمود دیگری از سیاستهای ضددمکراتیک حاکمیت است همراه با اعتراض به حمله به کانون نویسندگان و دستگیری نویسنده و معلم مبارز علی کوچستانی محکوم میکنیم.

کانون مستقل معلمان تهران ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال ارتجاعی و ضددمکراتیک خواهان آزادی هر چه سریعتر این دو نویسنده و معلم مبارز میباشند.

کانون مستقل معلمان تهران
۱۳۶۰/۳/۴

این مهم در بین توده کارگران، کارگران را آگاه کند که آنها باید با مورنمایندگان خود نظارت کارخانه ها را به دست آورند و امر جز با فراخواندن مجامع عمومی عملی نمیشود. و توضیح دهند که مجامع عمومی که با شرکت کارگران شکل میگیرند نمیتوانند نمایندگان آنها را که در جهت منافع کارگران عمل کرده اند، خلع گردانند.

۷ - هر چه وسیع تر، اعمال ضدکارگری وزارت کار و مدیران دولتی و نقش جاسوسی و پلیسی آنها که اینک انجمن اسلامی عمدتاً در کارخانه ها به پیش می برد، افشای کنند و کارگران را با شکردهای کار انجمن اسلامی آشنا کرده و با افشای رهبران و سازمان دهندگان و اعضای فعال انجمن ها و نحوه کار آنها توده کارگران را یاری دهند تا با افشای و طرد آنان تا حد انحلال آن پیش رفته و با اتحاد آنها نه حول شوراها از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.



سائتراليسم دمکراتیک

مقدمه:

مدتی قبل در مقاله "طرح یک ضرورت..." (کار شماره ۱۱۰۰) در این رابطه که "وایع است که تاکنون روزنامه‌های سوسیال دموکرات، معمولاً تمایزات تشکیل دهنده توجهی نداشته‌اند، با چیزی مددول داشته‌اند، اگرچنداً می‌توانیم بگوییم و قبول داریم که در گذشته "خواهیم کوشید" را از سیدنا جمع بندی تحریکات و تدوین مسائلی و مشکلات سکولاری، آنها را در سطح جنسیت منعکس نمائیم. از آن زمان ما با جمع بندی نتایج و گزارشات ما بین نتیجه رسیدیم که مسئله سائتراليسم دموکراتیک"

دمکراسی بدوی

با این جمله توجه کنید: "لازم است که تصمیمات کمیته‌ها ارهه محفلها بگذرد و فقط بعد از آن بصورت تصمیمات حقیقی در آید". بنظر می‌رسد که جمله آشنا بی است "تصمیمات" آنرا شنیده‌اید، راستی از کی؟ از آن دانش آموزی که بیعت عدم نظر خواهی را روی دریا ره یک اعلامیه تبلیغی از توزیع آن متنازع کرده بود، یا آن کارگر جوانی که عدم اجرای مسئولیتش را اینطور توجیه میکرد که در تصمیم گیری آن مورد به نظری توجه نشده بود. نه! هیچکدام! جمله از روزنامه "سواد" "ارگان" اکوئیسیت های پروویست ما" (یا چه فرقی میکند "اکوئیسیتها" برنشتین ما) گرفته شده است. (لینین - مجموعه آثار و مقالات صفحه ۱۲۷ سازمان "توطئه جینی" و "دموکراتیسم چه با بید کرد؟) ولینین با استناد با آن یکی از جلوه‌های انحراف عمده آن زمان پرداخته است و نمود تشکیلات سوسیالیستی را که تحت عنوان "دموکراسی بدوی" از آنجا ذکر کرده است، توضیح داده است. برپا و پیوسته بود که "کسیک" در جنبش ما عملاً کار کرده باشد می‌تواند که نظریه "بدوی" در مورد دموکراسی به چه میزان وسیعی میان توده جوانان محل و کارگر شیوع دارد (همانجا) حقیقت آنستکه تشاکها چ چنین انحرافی در سطح جنبش ما نیز یوفور دیده میشود، به اعتقاد ما طرح این مسئله که همه شرکت کنندگان در محافل و حوزه‌های سازمانی با بید در جریان همه مسائل قرار گیرند، از همه مسائل مطلع گردند و در همه تصمیم گیریها به آنها از آنها نظر خواهی که حتماً رای گیری شود و سپس نیز اجرای تصمیمات به آنها نیز محول گردد، عین "دمکراسی بدوی" و نشان دهنده طفولیت و عدم بلوغ نظریات مطرح کنندگان آنست، وقتی رفیق ما حداقل توان نوشتن مصرا نه می‌خواهد که

بذیرفته‌اند، "روشنفکران انقلابی" هستند که عمدتاً نیز در جریان قیام بدین سازمانها پیوسته اند و بیعت عدم بیوند کافی با طیفها کسب حاصل پروتستی... (ا نظایط پذیر، درک کار جمعی و... و تبدیل شدن بیک "انقلابی حرفه‌ای" ناملمه زیاد دی دارند. طبیعتی است که جنبش روشنفکرانی (که "مفت مشخصه" آنها همان "انفرا دمنشی" آنهاست و خود را در همه چیزها حسب نظر و نظرات خود را در همه چیز مکتب میداند) چنین انتظاراتی نیز داشته باشند.

۲- بعلاوه با یستی به ضعف شوریک و بسد آموربهای جنبش خودمان نیز توجه کنیم: در مورد ضعف شوریک با پیدا دغان کنیم که سالها تسلط حقیقاً و دیدکنا توری رژیم سابق و اثرات آن بر جنبش کمونیستی و کارگری ایران (که مواقع ضعیف و پراکنده و محدود بوده است) امکان فرصت و درک درستی از لزوم کسب مبنای اصول عام علم ما رکسیم، لنینیسم را فراهم نیاورده بود و فاصله زیاد بین سطح جنبش خلق و طبقه کارگر از یکطرف و توان روشنفکران انقلابی از طرف دیگر پس از قیام نیز مزید بر علت شد و موجب آن گردید که نیروها درک روشن و صحیحی از مقوله علمی سائتراليسم دمکراتیک نداشته باشند و بهمین دلیل هرگونه درک خود بخودی (و مسلماً "بدوی و اولیه) را می‌م - ل میدانستند. بعلاوه اگر توجه داشته باشیم که خودمان نیز در مقطع انشعاب وجهی از جوهه این مقوله را (دمکراتیسم را) عمده کرده بودیم و در انطباق خلاق لنینیسم (مثلاً "تا همه ایسرا") بر آن بدرستی تاکید نموده بودیم و کوشیده بودیم پورتو نیسم در تشکیلات سازمان را قبل از انشعاب - که بصورت سائتراليسم بوروکراتیک تجلی یافته بود افشا کنیم، بیشتر بر ریشه انحراف، گنونی در سازمان بی میبریم. با این مسئله با زهم خواهیم پرداخت.

درک اصولی از آن جمله مسائلی است که با بسیا بنوجه ویژه‌ای مدول داشت. بر آن بود که بحث حول درک آن در دستور کارمان قرار گرفت و در فرصتهای کوبنا هی بیعت ترا کمزیا دکارهای ما در دوره برگزاری مراسم اول ماه مه که بیست می‌آمد، نواسیم به حد افلی در برپا طیفه دست با سیم و آنها را بصورت سلسله مقالاتی تدوین نمائیم. و از این بعد خواهیم کوشید سائتراليسم را در "کار" چاپ کنیم. قدر مسلم آنستکه ما خواهیم کوشید و حسد امرا بی مسئله را (دموکراسی بدوی) سائتراليسم افراطی و فووی سائتراليسم سائتراليسم بوروکراتیک را) بویژه بیشتر بشکافیم.

بعنوان عموم تحریریه ارکان سازمان در آید، وقتی رفیق دیگری میخواهد که از او درباره جزئی ترس تصمیمات رای گیری - شود و مثلاً می‌پرسد که: "روی چه اساسی رفیق X مسئول تشکیلات گردیده است؟" - حوزه مرکزی بحث چه شرایط و معیارها نسی تشکیل گردید؟" و بالاخره "یا کدا" معیار و صوابی ما رکسیم است رفیقی میتوانست تمام مسئولیتها ی بخش های مختلف را در تشکیلات عهده دار شود؟" چه عنوانی جزمین درک بدوی "از دموکراسی را میتوان بر آن نهاد. البته دمکراسی بدوی مقوله تازه ای نیست بلکه ریشه در تاریخ جنبش کارگری دارد. تاریخ جنبش کارگری نشان میدهد که در دوره‌های اولیه شکل کارگران در انجاده‌ها، آنها نشان حتمی دمکراسی را در این میدا نستند که اولاً "تمام تصمیمات از طریق رای گیری از همه اعضا گرفته شود، ثانیاً "تمام کارهای مربوط به اتحادیه - شریکتیبت توسط تمام اعضا انجام گیرد. در واقع آنها تنوعی مساوات طلبی اولیه اعتقاد داشتند که برای هیچ یک از اعضا ظرفیت خاص قابل نبود در حقیقت هیچ نوع تقسیم کار تخصصی را ضروری - نمیدانستند. سالها طول کشید تا آنها بلزوم تقسیم کار و انتخاب نمایندگان و مجریان تصمیمات در جلسه مجمع عمومی سالانه برسند و با آنها اختیار تصمیم گیری در بسیاری از موارد را بدهند. اما این درک از لزوم تا میزدیم که در تصمیمات وسیع دیگر مدت‌هاست دورانش بسر آمده - است و آنچه جنبش ما و هر جنبش جوان دیگر را تهدید میکند، آنقدرها آن شرایط رشد اولیه جنبش کارگری و کمی تجربه آنها در امر سازماندهی و تشکیلات نیست. بلکه در بررسی علل این پدیده و بقصد ریشه یابی آن باید دو عامل حیطی (طبقاتی) و معرفتی را در نظر داشت: ۱- حقیقت آنستکه ترکیب طبقاتی غالب "منسوبین" به سازمانها نسی که م - ل را

اجتماع کارگران ...

بقیه از صفحه ۴
نحمن کارگران و مذاکره نمایندگان آنان با دولت تا روز پنجشنبه ادامه یافت و سرانجام دولت به آنها وعده داد که حقوق های عقب افتاده‌شان را بپردازد و همچنین زمینه‌های اشتغال دیگری برای کارگران را که از نیروگاه برکتا رمی شوند ایجاد کند.

فاله پدرو شهید ...

بقیه از صفحه ۲۴
مملکت اند. لذا تا ظلم هست مبارزه هست شکست هست، عاقبت پیروزی سرانجام متعلق بخلق است. ... مرگ بر جلا دین مزدور محمود و دیگر شهدای خلق ... خلقهای قهرمان ایران با داشته‌اند قهرمانانی چون محمود - سا و پدرانانی چون غلامحسین ها، بی شک در آینده ای نه چندان دور شاهد پیروزی را در آغوش خواهند گرفت.

با اتکاء به نیروی توده‌ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

دعوی اصلی بر سر چیست؟

در هفته گذشته، لایحه "حذف فرمان‌ها یونانی" که از سوی دولت رجائی پیشنهاد شده بود، بتصویب رسید و یونانیان نیز با لیبی‌ها یکی دیگر از یگانهای خود را در یکی از مهمترین نهادهای اقتصادی کشور یعنی بانکها از دست دادند. گرچه این لایحه تنها شامل بانکها نمی‌شود و سایر بخشهای رایکه تا کنون دولت مستقیم ایران آنها تسلط نداشته از جمله هلال احمر را نیز در بر میگیرد، اما بطوریکه نخست وزیر مراحاتاد اعلان داشته، هدف دولت عمدتاً دست یافتن بر بانکها و هلال احمر بوده چرا که ظاهراً در این بخش بیش از سایر بخشها هماهنگی لازم با دولت وجود نداشته است. رجائی طی مصاحبه‌ای در این مورد گفته است: "هدف من از پیشنهاد این لایحه (حذف فرمان‌ها یونانی)، دقیقاً همانست که با مدیرکل بانک مرکزی هماهنگی ندارم، با مسئول هلال احمر هماهنگی ندارم" انقلاب اسلامی ۱۳۰۵ رددیبهشت

اما در خصوص این لایحه طبق معمول دو جناح حزب و لیبی‌ها به مقابله با یکدیگر پرداخته‌اند مثلاً ملتیان یکی از نمایندگان وابسته به جناح وابسته به جناح لیبی‌ها بعنوان مخالف گفت: "... طرح این لایحه به اسم واقعی آن تفویض اختیار است قوه مجریه به نخست وزیر و هیئت دولت است. عبارت فرمان‌ها یونانی خیلی زیرکانه است بنا بر این اسم، اختیار را می‌خواهد مستقل کند..." انقلاب اسلامی ۱۳۰۵ رددیبهشت

و از سوی دیگر کمی‌اوش از جناح حزب جمهوری اسلامی در دفاع از لایحه ضمن این مسئله که آنها می‌خواهند دولت را در تنگنا قرار دهند و به سقوط بکشانند اظهار داشت: "در سیستم سابق این بود که شاه تمام امور مملکت را قبضه نماید و بدین ترتیب مردم را به استثمار بکشد... آن ابلاغیاتی که بنام فرمان‌ها یونانی صادر شده بود، شورای انقلاب بناچار در حقیقت کمیسیون اقتصادی شورای انقلاب مرکب از آقای معین فر، سحابی، بنی‌اسدی و چند نفر دیگر تشکیل شده و در کمیسیون تصویب کردند... بجای فرمان‌ها یونانی، حکم رئیس جمهوری نوشته شود..." انقلاب اسلامی ۱۳۰۵ رددیبهشت

دعوی اصلی بر سر چیست؟

گرچه بظاهر هر دو جناح اصلی هیئت حاکمه حزب و لیبی‌ها برای توده‌ها اشک تمساح میریزند و سخن از منافع مردم می‌کنند اما واقعیت بگونه‌ای دیگر

نشوونما

بدنبال حمله شانزدهم اردیبهشت با سداران و فلال‌ها به کتایب خانه‌ها دران مجاهدین در شوشتر، اطلاعاتی از طرف سازمان ما به تاریخ ۱۱۷ رددیبهشت در همین شهر منتشر شد، در این اطلاعیه آمده است: "مردم مبارز شوشتر رژیم ضد خلقی

است، آنها بر سر کسب قدرت و پیشبرد سیاستهای خود تلاش می‌کنند، آنها بر سر استثمار رفا رت توده‌ها با یکدیگر دعوا دارند مثلاً اگر مورد با نکه‌ها را در نظر بگیریم، از آنجا که با نکه‌ها یمننا به یکی از شرکای اصلی حیات اقتصادی سیستم سرمایه‌داری می‌باشند و در دست داشتن سیستم بانکی منافع کلانی را نصیب هر یک از جناحهای حاکم خواهد کرد و با نکه‌ها این سیستم بانکی است که قرار داده‌ها و سیاستهای اقتصادی دولت شکل عملی بخود می‌گیرد پس برای بر حسب اینکسه این بخش تحت کنترل کدام جناح باشد امکانات بیشتری برای آن بخش فراهم میگردد و به جناحی از بورژوازی صنعتی یا تجاری، امکان سودهای کلان تری را می‌دهد. و در مورد و اما نیز این امر مصداق دارد مثلاً آقای رجائی در قسمتی از مصاحبه خود می‌گوید:

"اما قدر مسلم اینست که اگر دولت سیاستی بر این باشد که مثلاً صنعت در کشور رشد کند به بانک می‌تواند توصیه کند که وامها را به جای رشد تجارت آزاد در طریق صنعت متمرکز کند" انقلاب اسلامی ۱۳۰۵ رددیبهشت

اگر با این جملات توجه کنیم مسئله مورد بحث ما بخوبی روشن می‌شود یعنی همان مسئله دعوی لیبی‌ها و حزب و اینکه امکانات مالی کشور در خدمت کدام جناح قرار گیرد، تجارت و صنعت سهم عمده را بخود اختصاص دهند و از این طریق سودهای سرشار را بجیب بزنند (همچنان که تا بحال چنین کرده‌اند و اکنون دیگر با مقاومت لیبی‌ها مواجه‌اند) یا سرمایه‌داران صنعتی نیز در استثمار و غارت مردم سهم بگیرند؟ قرار دادها بر مبنای منافع حزب تنظیم شوند یا در جهت منافع لیبی‌ها؟

اما نکته دیگری که جای توجه است اینکه لیبی‌ها پس از مشاهده از دست دادن موقعیت خود، از تانمه‌های پشت پرده چندماه قبل خودمینی بر سیاستهای غلط حزب و هشدارهای آنجانی سخن می‌رانند، اگر این آقایان برای مردم دل می‌سوزانند چرا پس از اینکه مسئله از دست رفتن قدرت آنها در ارگانهای دولتی مطرح می‌شود شروع به افشاکری می‌کنند؟ دلیل این امر فریب توده‌ها و جلب اعتماد آنهاست اما مردم زحمتکش ما دیگر فریب هیچک از دو جناح را نمی‌خورند، آنها را پی برده‌اند که دعوی این دو جناح بر سر این مسئله است که کدام یک سودهای حاصل از استثمار کارگران و غارت خلق را بیشتر بخود اختصاص دهند.

جمهوری اسلامی دینی سرکوب مبارزات توده‌ها و بدنبال سیاستهای ضد مردمیش روز گذشته با حمله وحشیانه به کتایب خانه‌ها و اداران سازمان مجاهدین خلق عده‌ای رازخمی و گروهی راهسارت در آورد. با مبارزه‌ای بیگنبر برای آزادی مجاهدین در بند و با زین ستاندن کتایب‌ها از جنگ پاسداران سرمایه‌وجما قدران، با تمام توان خویش از حقوق دموکراتیک مردم پشتیبانی می‌کنیم.

"حق و ویژه"

توطئه‌ای دیگر علیه کارگران

- نقل از اخبار آذربایجان نشریه خبری فرهنگی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آذربایجان.

این روزها در کارخانجات صنعتی تبریز، سنتی احیاء و بازسازی میشود که بعد از قیام در اثر مبارزات کارگران و شوراها مترقی آنان بعنوان یکی از رسومات ضدکارگری مطرح گردیده بود. اما جالب توجه خواهد بود اگر چنانچه بدانیم چرا و به چه منظور رژیم جمهوری اسلامی بعد از گذشت بیش از دو سال از قیام توده‌ها در صدد احیاء مجدد این شیوه ضدکارگری برآمده است. علل چنین پدیده‌ای را اساساً باید در جدا شدن توده‌های کارگر از حاکمیت، و بی اعتباری روزافزون آن جستجو کرد. زیرا دیگران زرادخانه عظیم تملق و عوامفریبی و آن ماشین جهنمی تبلیغاتش بر روی توده‌ها، تا ثیرات مخرب خود را از دست داده است، و به بیان دیگر هر روز که میگردد، توده‌ها توهمشان بیشتر فرو میریزد و به پوچی وعده‌های حاکمیت هر چه بیشتر پی میبرند و آثر آن در کناره خود، بلکه رودر روی توده‌ها نمود می‌یابند، و درست بهمین علت است که دیگر مثل سابق اکثریت کارگران حاضر به همکاری با دولت و عوام‌طلب نیستند، بلکه با آنها دائم در کشمکش و درگیر می‌شوند. نتیجه، منجموم چنین تغییراتی در روحیه و شناخت کارگران اثرات خود را در کاهش تولید و کم کاری های آشکار و پنهان نشان میدهد. در چنین تنگنایی است که رژیم جمهوری اسلامی که از یکسو شیوه‌های پیشین را به علت آوجکری مبارزات توده‌ها و بی اعتمادی آنان نسبت بخود ناکافی می‌بیند، و از سوی دیگر عوامل مزدوران دیگر حاضر نیستند بیشتر از این برای رژیم که به آینده‌اش اعتماد دجنندان ندارند، موقعیت خود را بدون هیچ امتیاز و اجرتی بخطر انداخته و برای آن جانفشانی کنند. در نتیجه چنین بن بست است که شیوه‌های آریا مهری و کار بست آن ضرورت خود را برای رژیم که پایگاه توده‌ای خود را از دست میدهد، بیشتر نشان میدهد، و به منظور تامین منافع طبقه سرمایه‌دار و استثمار هر چه بیشتر کارگران، راهی جز تشدید خو خفقان و اعمال سرکوب نمی‌یابند. به دنبال درک چنین ضرورتی از سوسی حاکمیت، دامنه تهدیدات، اخراج‌ها، جایگاهی‌ها و جان‌نشینی کارگران روز - مزد بجای کارگران رسمی معمول میگردد. و بموازات اینها، جاسوسی و خیرچینی و بقیه در صفحه ۲۲

توضیح

بعلمت تراکم مطالب ادامه مقاله بررسی و تحلیلی از جنبش کارگری در سال گذشته در شماره آینده کار درج خواهد شد.

۹ خرداد ۵۸ خردار شنبه سیاه:

نسخه از صفحه ۱

ریشه های سوخت و سوخت به خلق
عرب زبانی می نامیدند اما این عنوان
ما ۷۰ و عملاً دولت جمهوری اسلامی
در مناطقی مختلف نظیر کردستان، ترکمنستان
صحرای خوزستان و... در میان مبدعان
آنچه در این مناطق است و آنها دوام
به گسارها را از هم جدا کرده است.
سی سربازان را هم جدا کرده است.
حدی که در مقابل سربازان بوده های
تراز گرفته بود میخواست دستاورد های

بسیار و زبانی می نامیدند اما این عنوان
ما ۷۰ و عملاً دولت جمهوری اسلامی
در مناطقی مختلف نظیر کردستان، ترکمنستان
صحرای خوزستان و... در میان مبدعان
آنچه در این مناطق است و آنها دوام
به گسارها را از هم جدا کرده است.
سی سربازان را هم جدا کرده است.
حدی که در مقابل سربازان بوده های
تراز گرفته بود میخواست دستاورد های



پاسداریان رژیم جمهوری اسلامی به هواداری از نیکوکاران نیروی خلق انقلابی آتش میزنند.

بدرمان روزی از... کشته و...
رجمی شدی که... در...
سلح که عمدتاً...
سربازان که...
پوشا شده...
سرتان...
و با...
ساز...
هر...
به...
گودکان...
خو...
راه...
مدا...
تعلیل...
اعلام...
اما...
سرو...
ساز...
رحم...
سرای...
آ...
آ...
کشت...
می...
و هر...
مملو...
پد...
انقلابی...
شعار...
پر...
آ...
مردم...
زند...
و رور...
شوی...
دادن...
خویش...
مردم...
سلاح...
بر...
و هو...
خویش...
قوای...
خویش...
پیدا...
شده...
بزرگ...
طعم...
هوا...
موزی...
گلوله...
در...
نبر...
سود...
مردم...
داد...
آ...
کشت...
لای...
روستا...
خویش...
"خالق...
کرد...
حانه...
سری...
خویش...
و ده...
در...
منحص...
برک...
خویش...
سای...
بود...
و دفاع...
رهبری...
این...
چند...
و سایر...
داد...
ساز...
ساز...
عالم...
دین...
جمهوری...
که...
نل...
اند...

آنرا که محصول قیام خلق بود پس
گرفته و از تمسک انقلاب طلبگری کند.
اعزاز این سیاست در تمام زمینها و
در مورد کنگره و سایر رویدادها از کارگران
و دهقانان و رحمتگان گرفته تا خلقهای
سخت ستم بخوردند از کادو گشته تا خلقهای
تحت ستم ایران چون کرد ها، ترکمن ها،
عربها، بلوچها و... که آنها تحت ستم
رژیم سفاک پهلوی قرار داشتند.
سرتوکی این رژیم خواهان کسحقوق
دمکراتیک خویش شدند. اما حکومت با
قدرت خود که تنها در ظاهر هوادارانی
مهر و ماورای "سمنعان" می نامیدند غالب
خوا شد. دمکراتیک آنها از دم گشته
در آید و به سرکوب مردم بها خاسته اقدام
کرد. از این جهت که می بینیم هنوز چند

فروردین صورت گرفت. در این روز جمعه
سلحانه و ما زمان با فتنه به ستاد
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در
آبادان انجام گرفت که طی آن ۷ نفر از
رزمیهای مارکسیست ۲۹ نفر دستگیر گردیدند.
در اوایل اردیبهشت کانون فرهنگی -
نظامی چریکها توسط کرسی رومانیایی
مرتجع و مداح شاه و سوری سوسیالست
معروف و دهها جوان ناآگاه تا سینه شده
بود اعلامیه ای بنا بر تاجار خرمشهر بر سر
خلق برخاستند که این عمل خشم
نوده ها را برانگیزد. رژیم با
انتصاب مدنی به استانداری خوزستان
تصمیم خویش را در سرکوب خلق عرب اعلام
کرد. اولین حرکت او در جهت پیمان شکنی
نقشه های سرکوبگرانه آمین بود که در



خلق عرب زیر شدیدترین فشارها، علیه تجمیع وسایط های فساد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، به اعتراض برخاسته است.

هفته ای از سرکوبی رژیم سلطنتی نگذشت
که در اوایل خرداد در کردستان (سینج) و
در فروردین ماه در ترکمن صحرا (گنبد)
و بلاخره در خرداد ماه در خوزستان
(خرمشهر) رژیم جمهوری اسلامی به قلع و
معمر مردم رحمتگان این مناطق مبادرت
کرده و در آنجا دهکده به دهکده ما فریبست
حقوق دمکراتیک خلقهای ایران را ریشه
رسمیت ننهاد. در همین اوان است که
امیران نظام جنگجوی دولت جمهوری
اسلامی که کانون توسط دولت "مکتبی"
تجرم خاوسی برای آمریکا محاکمه
مستورده مورد درخواست خلق عرب اظهار
میدارند: "عرب بیست از چند هزار نفر
سیستند. اگر بخوانند از این محبت کنند
آنها را در برابر می ریزیم و با زرنگان

جله ای که مسئولین شهرتکامل دادند
دستور خلیفه فدائی زمانهای سیاسی
خلق عرب را با درک در گمبا معالفت و
مقاومت نوده ها روبرو گردید. امسار و
در اعزاز نقشه های سرکوبگرانه دولت
جمهوری اسلامی دست اندکار ترسیده ای
جدید بود. روزی فردا نمایان کارگران
ترمیمتال خرمشهر که برای خواسته های
برحق خویش متحمن شده بودند و با
در یکم که مانع ورود آنها شدند
درگیری رخ داد که طی آن یک پاسدار
کشته می شود و دست خرمشهری میگردند.
این واقعه همان روزهای بود که ارتجاع
بینی مدنی نوده ها در زمان کشته و پاسداوران
نظارتان بودند تا نقشه سوم سرکوب
و حینای خلق را بر علیه اجرا در آورند.
بدینا این درگیری بود که وقایع ۹
خرداد بود قوی پوست. ادامه دارد.

معامله

ایدئولوژیال روی پیوسته است. و الهیون بیرو خطا امام

بقیه از صفحه ۲۱
بگذارید با زارتین نقل کنیم که گوئی
نخستین سند فعل اول دولت انقلاب است:
"از طرف طبقه حاکم (حاکم) کوشش های بی
عمل میا بدکیت های بی زبانان آنها
(بنیانگذاران) ما را کسبیم ایسا زنده آنها
را نقدیم کنند... و آموزش انقلابی آنها
را از مضمون تپی سازند. برندگی انقلابی
آن را زایل نموده و خود را از دستگیر
کنند. در شرایط تاریخی کنونی که منای
ایدئولوژی طبقه حاکمیتگی ندارد، باید
با اصلاح مارکسیستها با وسایط سیاسی
مارکسیست را برافروشد بگیرند!
طبری و ما دق است: "اگر
مسائل را به محتوایش برآید بکنیم،
می بینیم که بین الهیون و بیسوسیالیزم
بیرو خطا امام (که ما عب قدرت هستند) و
مارکسیستهای اصیل انقلابی... (و این
... (اندیشه های حزب نوده) هر دو یک
انسانی را تشکیل می دهند و عدالت انسانی،
تفاوت واقعی وجود ندارد... تفاوت
ظاهر می تواند وجود داشته باشد...
آیا ما فدائی تر از این میتوانیم -
مارکسیستها را فدای مارکسیستهای داد و
آن را در گذرد؟ آیا تردید میماند که
مغایب! مروری کلمات آغازین دولت
انقلابی استین همین آغازین مارکسیست
هستند؟
احسان طبری واقعا "در غولب آید"
است چنگی استادانه تر از او میتوان
بر سر فرقه عداوتی برآورد. "برادران پیرو
خط امام بشنید ما کسبیم و از همین
ستادین لطیف، مبتذل کسبیم و از این
بخت بد او در این راه تنهاییت و اما ز
کننده هم نیست اما داده شده راهی است
که روی پیوسته ای است... سبیل و ما دق
کار کوشی و بلخاتف و دیگران در آن طری
ق طریق کرده اند اما که نسبت به اطمینان
کمید و "چنگی" او میرسد، مجال نقاشان
میباشد. باید که نمونه از این اجتهادات او در
"مارکسیست" اشاره کنیم.
به قول امام است: "و اما در دست
است: یعنی تفاوت در طول زمان است که
نور را چنین کیفیت کسبیم میکند و بر
انتخاب میا وجود و فقط متفا در برابر هم
... به طور موزمان (مثل شب و روز،
آزادی و استبداد) و آنچه است حرکت
عمومی جهان میشود. "تفاوت اول"
است. یک سؤال کوچک این است: "و
بورژوازی همزمان با هم در جوامع
سرمایه داری وجود دارند، آیا تقابل و
تکلیف و تقاسم طبقاتی این دو با هست
حرکت عمومی جهان سرمایه داری نشود؟
با رخ طبری که مدنی است! در مارکسیست
اوایل خرمشهر است که نسبت به فدائی بی
انگیزدهای کسبیم مبتذل گردن و بی
مارکسیست و نفی تقادیه عنوان با هست
عمومی حرکت جهان است و درست در نقطه
مقابل جوامع این آموزش لنین قرار دارد
که "باید گفت که از میثاقان به اعتبار
عنوان تئوری وحدت افشا در تعریف کرد.
(لنن، تلمیح علم منطق لکل)
سخن کوتاه کنیم و از آن کنیم که
استاد طبری شایسته لقب استاد است.
لیکن لقب استاد را در زمان موروثیستیم
بیکار دیگران نیز اکتساب میگردند. اما
مربا بدکیتها به آن به ما حجاب خاسته
میرد: "بهم" بورژوازیست سیاسی در گذار
کبار تئوری "باز از طریق فهم بورژوازیستیم
ایدئولوژیست در برابر سخن استادانه
استاد طبری میبندیم. این دور
بخره که ما نه هستند که انقلاب دهر با زود
بر سر ما حیان شان ویران میکنند!"

توضیح
در مقاله "الهیون" که در شماره ۱۰۹، ۱۱۰ و ۱۱۱
انتشار یافت در ۲۸۹ میلیمتر و در ۲۸۹
زوال است. رقم ۲۸۹ میلیمتر است
مربوط به همان کسبیم و در ۲۸۹ از
تقریباً اشیا را تلمیح میزند.

۱۲ خرداد، سالروز اعلام جمهوری گیلان گرامی باد

نامه بدر رفیق شهید محمود صمدی

نامه ای داریم از بدر شهید محمود صمدی که در ۱۳ بهمن ۵۹ بحرم دفاع از منافع رجمکنان و هواداران آن؛ سازمان بیکار بدست جلادان جمهوری اسلامی در ماه مهر اعدام گردیده است. این مبارز دلاور - برطبق سندیکه در اختیار ماموران قتل - از اعدام توسط مزدوران رژیم سختی تکلیف شده است! بدر محمود صمدی کارگر شرکت نفت است که سیره جانش طی ۲۳ سال کاری بطبقم جها نخوانان سوسیالیستی سرمایه و وابستگان ایران نشان سرازیر شده است. این پدر مبارز و آگاه - در نامانش خطاب به مامینو میسید: درود بر شما، درود بر تمامی کمونیستهای انقلابی، از شما می شما که در راه آرمان طبقه کارگر مبارز میاید، رسیدیم خواهم گامهای استوارتری برداشته تا هر چه زودتر ستونهای ستمها - کمونیستی برسیم. میدانم که هر چه عزیز عزیزم را بخنداند! آرزو دارم که به زودی زود سرا میریایا لیسیم جها نیسیر کردگی آمریکا و وابستگان داخلی و بیرونی بسوم. خون همه کمونیستهای انقلابی پرچمها خواهد بود. از زندگی پر فراز و نشیب محمودا گریخواهم بر اینان بگیرم چون دیگر کمونیستها مثل جها نیسیر، همان یونیرزادها، نیک اندامها، علوی شوشریها و نوما جها و دیگر کمونیستهای انقلابی برای شفت و عشق به رجمکنان است. ولی زهمه شما به مثابه محمود خودم میخواهم خودمان را به مبارزه بیکری و بیوفی اما ن خودمان دادا دهو... بیروزی شید. این پدر آگاه و مبارز دلاور ما اعتراضی که پس از اطلاع از اعدام فرزندان قش به نورا یعلی قضا شی نوشته و در بیان - نامه به همه مقامات، روزنامه ها و ... به خلق قهرمان ایران "خطاب کرده است، میگوید: "در تاریخ ۹/۱۰/۷۷ هجری بناجنا نسب اطلاع رسید که و راه به جهت مبارزه اش در راه آرمان طبقه کارگر دستگیر کرده اند، اینجانب پس از شنیدن به دادگاه انقلاب ما شهر مرا حه نمودم که جرم فرزندانم چیست گفتند فرزندان شما از هواداران - بیگارا ست... فرزندان بناجنا نسب را پیش از اینکجا اعدام کنند شکنجه نیرزاده بودند... تقاضای بیرون داندش را کردم تا جرم او را بداند و ولی زدا دن پرونده اش نیز خودداری ورزیدند. در رژیم گذشته در دادگاهها فرما می شد و رخا نواده اش را اطلاع می دادند و برای او وکیل فرما می شد میگردند و دولی امروز بدون محاکمه اعدام میکنند.

اینست معنی عدالت و دادخواهی که کودکان ایران آزاد شوند، امیرانتظام و با فری و علوی به حسن محکوم شوند و بعضی ها بوسه و استکان امیرالسلطنه فری زاده میسوند و بی فرزندان قهرمان مثل محمودها، نیک اندامها و جرحا نیها و دیگر بر میسها با بد اعدام گردند چون مدافع حقوق کارگران و رجمکنان این

بقیه در صفحه ۱۹

نما بیندگان و ژنرالهای روسی و انگلیسی بودند که در سرا سر مملکت فرما نیرا نندند سوده های مردم، کارگران، دهقانان و رجمکنان در اشردخالت اوضاع اقتصادی در شرایط طاقت فرسای سیر میگردند. فعرو فلکت توده ها را فرا گرفته بود و این شرایط زمینه مساعدی برای رشد جنبشهای سوده ای فراهم ننمود. در حین شرایطی و بر حین زمینه ای بود که جنبش گیلان و در جوانان جنبش های محلی دیگری چون جنبش سح محمد خیا بانی و جنبش کلنل سیان سرازیر مناطق شمالی کشور را فرا گرفت.

انقلاب اکبر و سه و ناتیران بر مبارزات

خلفهای ایران:

پیروزی انقلاب اکبر اکثر تاثیرات بسیاری بر مبارزات خلفهای ایران نهاد و نقطه عطفی در جنبشهای ایران بخصوص در مناطق شمالی بحساب می آید. با بدر نظیر داشت که "کلا" مبارزات کارگران رجمکنان ایران، بعلمت شما س نزدیک با جنبش سوسیال - دمکراتیک روسیه، بعلمت رفتو آمدهای وسیع کارگران ایران بخصوص به کوبا و فقفا ز بعلمت تماسهای نزدیک کمونیستهای دو کشور تا تاثیرات سیاسی از جنبش های خلقهای روسیه گرفته است اما این تاثیرات در زمان پیروزی انقلاب اکثریتها اوج خود را رسید. دومین کنگره شورا های سراسری روسیه، درست پس از پیروزی انقلاب، انعکاسه فرار دادهای اما رت با رونق بر ابراه که در زمان اشزار منعقد شده بود اعلام نمود و از جمله شوروی نیروهای خود را از گیلان فرار خواند و تمامی تاثیرات متعلقه اش چون با یکجا، جاده ها، کمراکات و... را به ایران واگذار نمود. در این رابطه بنا وجود یک دسته امپریالیسم انگلیسی پس از پیش در جاپ اول و غارت خلقهای ایران گسترده گشت اما مبارزات توده ها نیز شکل متمرکز و با هدف مشخص نابودی سلطه امپریالیسم انگلیسی اوجی نوین و گسترش تازه یافت. تمامی تاثیرات انقلاب اکبر اکثر بر مبارزات خلقهای ایران را نمیتوان درنا بودی سلطه، تزاریسیم برای ایران خلاصه کرد.

مبارزات انقلابی توده های روسیه تا شیر بسزائی در رشد مبارزات خلقهای ایران نهاد. انتقال تجربیات انقلابی آموزش بسیار از مبارزین، انتقال آگاهی های مبارزاتی و... همه و همه تا تاثیرات بسزایی است که جنبش انقلابی روسیه در رشد جنبش توده های ایران نهاد تا سهای تنگ تنگ بسیاری از تئوریهها و رهبران جنبش با انقلابیون بلشویک نقش بسزائی در رهبری مبارزات نهاد و "کلا" جنبش گیلان با غرض نوبیهایی اکثر اوجی نوین را در عرصه های نوین یافت. ادا ندارد.

۱۴ خرداد دشت و یکمین سالروز اعلام جمهوری گیلان است. در این شرایط که رژیم جمهوری اسلامی بخاطر منافع صدمردمی خود در جهت فدیت هر چه بیشتر با نیروهای کمونیست دست به تحریفات بسیاری در مورد تاریخ جنبش گیلان زده است. ما در عین کرامت میدانیم که این روزی خواهیم کرد تا به بررسی هر چند مختصر از سیر تاریخی این جنبش دستاورد ها و گامهای آن بپردازیم. شاید این گوشه از تاریخ مبارزات خلقهای گیلان که اینک مورد تحریف جمهوری اسلامی قرار دارد برای توده ها روشن تر گردد.

زمینه های تاریخی جنبش گیلان:

مشروطه که ما به میدان کشاندن توده های وسیع خلق بخصوص خرد بورژوازی و رجمکنان شهر و روستا، هماه های بسیاری آفرید. بعلمت ضعف بورژوازی ملی ایران و بخصوص عدم انسجام، شکل گیری و قدرت بورژوازی صنعتی و بنیبن آن عدم رشد و انسجام طبقه کارگر و با ساری فوئودا لیسیم و بورژوازی (تجاری) با شکست مواجه شد. انقلاب نتوانست اهداف خود را برآورده جماند. از سویی فوئودا لیسیم بیرونی توت به بقای خود ادا مه داد، از سوی دیگر سلطه امپریالیسم با برجا مانده روسیه تحکیم نهاد.

بهمن علت - یعنی بعلمت عدم تحقق خواسته های توده ها و شعبارهای انقلاب - پس از شکست انقلاب مشروطه تا هد جنبش های توده ای در مناطقی مختلف ایران هستیم. این جنبشها عمیقاً "توده های وسیع کارگران، رجمکنان و خرد بورژوازی شهر و روستا و همچنین اقشار عمده بورژوازی ملی را بدنیال دارد. این جنبشها عمدتاً مضمونی ملی ضد امپریالیستی - دمکراتیک دارند. جنگ جهانی اول و تقسیم ایران بین امپریالیسم انگلیس و روسیه تزاری نیز عملاً "زمینه مساعدتری جهت تشدید این جنبشها مهیا زد و از اینرو دوره جدیدی از مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک را در پی دارد. که ادا مه طبیعی انقلاب مشروطیت محسوب میشود. در این میان امپریالیسم آلمان که از اواخر قرن نوزدهم در رابطه با بازارهای موجود جها نی به رقابت با امپریالیسم انگلیس پرداخته است سعی دارد از این جنبشها بسود خود، در جهت تحکیم منافعی در ایران سود جوید این رقابت شرایطی را بوجود آورد که بورژوازی ملی ایران قادر به بهره گیری قابل توجهی از ضامدهای موجود بین امپریالیستها بود. از نظر اوضاع داخلی حاکم، ایران "غلا" در بین روسیه تزاری و امپریالیسم انگلیس تقسیم گشته بود. حکومت مرکزی در حقیقت عروسی بیشتر نبود و این

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر